

نگاهی به دو سال حکومت خاتمی

* خاتمی و دارو دسته باصطلاح اصلاح طلب می‌کوشند که در نهایت، بروز اعتراضات غیر قابل اجتناب توده ای را عقب انداخته و حتی الامکان آن را زیر کیان وابستگان به خود نظام متمرکز کنند و در همه حال به شدت مواظب باشند تا در فضای بحرانی جامعه مبادا کوچکترین شکافی در ماشین سرکوب نظام ایجاد گشته و جنبشهای مردمی رادیکالیزه و از کنترل خارج شوند. خاتمی با پوشیدن ردای اعتدال در واقع برای پیشبرد این روند ضد خلقی و سرکوبگرانه سکان را بدست گرفته؛ او و کارزار دو خرداد نه منشاء و یا عامل به میدان آمدن توده ها بلکه سلاحی برای کنترل جنبشها و اعتراضات توده ای هستند. این نکته، تفاوت اصلی و آن مرزی است که در دو سال اخیر صف انقلابیون مدافع توده ها را از صف سازشکاران و مرتجعین جدا کرده است.

در صفحه ۴

"دانشجو می‌رزد استبداد
می‌لرزه"

* بواقع یکی از نتایج غیر قابل انکار خیزش انقلابی اخیر، افشای هرچه بیشتر سیاست فریبکارانه جمهوری اسلامی در جا زدن خاتمی بمتابه یک چهره میانه رو بود. اوج گیری مبارزات مردم بار دیگر و این بار به روشنی تمام نشان داد که تمامی دارو دسته های رژیم موجود خواهان حفظ نظام ظالمانه موجود بوده و بر علیه خواستهای برحق توده های ستمدیده ما می‌باشند و به همین دلیل تنها راه مواجهه با رژیم حاکم بر کشور، انقلاب جهت سرنگونی آن می‌باشد و هرگونه دلبستگی به استحاله و رفرم در این دیکتاتوری لجام گسیخته خواب و خیالی بیش نیست.

در صفحه ۲

نگاهی به شعارهای خیرش شن روزه دانشجویان

صفحه ۸

ملاحظات بر رابطه فرهنگ با سیاست

صفحه ۲۱

در ایام شماره می‌خوانید:

- * بر گرفته هایی از مقالات برجسته مانتری ریویو ۱۰
- * گزارش فشرده ای از حرکات اعتراضی در لندن ۱۳
- * پای درد دل کارگران از لابلای مطبوعات رژیم ۱۸
- * برخی از اطلاعاتی های دریافتی ۲۵

گزارشات:

اطریش : فریاد اعتراض به
کشتار دانشجویاننروژ: اعتراض به سرکوب
جنبش دانشجویی - مردمیهلند: آکسیون اعتراضی
بر علیه
رژیم جمهوری اسلامی

صفحه ۱۵

"دانشجو می‌رزد استبداد می‌لرزد"

تظاهرات ۶ روزه دانشجویان در تهران که وسیعاً و سریعاً از حمایت دانشجویان شهرهای مختلف ایران (در ۱۸ شهر) برخوردار شد، آنچنان سردمداران جمهوری اسلامی را به وحشت انداخت که با دامنشی تمام، همه قدرت سرکوب خود را جهت خاموش کردن شعله‌های سرکش آن بکار گرفتند و به این ترتیب بار دیگر ماهیت ضد مردمی و دامنشی ذاتی رژیم را به عینه در مقابل دید همگان قرار دادند.

این خیزش بزرگ دانشجویی که خیلی سریع به یک اعتراض سراسری مردمی تبدیل شد در شرایطی رخ داد که در دو سال گذشته، جمهوری اسلامی در تلاش بود تا با توسل به انتخابات قلابی دوم خرداد و رئیس جمهور باصطلاح منتخب مردم و شعارهایی نظیر "جامعه مدنی"، "حکومت قانون" و "گفتگوی تمدنها" چهره جنایتکار و تروریستی خود را بزرگ نموده و با فریب توده‌ها انرژی انقلابی آنها را در چهارچوب جناح بندیهای درونی رژیم مهار نماید.

در این فاصله ما شاهد تبلیغات کرکننده‌ای بودیم که جمهوری اسلامی و حامیان امپریالیستش بر علیه انقلاب مردم ایران و نیروهای انقلابی به راه انداخته و با توسل به سازشکاران رنگارنگ در تلاش بودند تا مبارزه جهت سرنگونی رژیم را بی‌فایده و مبارزان را به گام برداشتن در جهت "مبارزه قانونی" و البته به امید استحاله رژیم وادارند. سردمداران فریبکار جمهوری اسلامی ادعا میکردند که قصد دارند "معاند" را به "مخالف قانونی" و مخالف را به "متحد" تبدیل نمایند. نمیتوان انکار نمود که این تبلیغات جهمی تا حد معینی روی افراد و اقشاری از جامعه تاثیر گذاشته بود. خیزش اخیر دانشجویان و مردم و سرکوب وحشیانه آن به وسیله سردمداران جمهوری اسلامی جایی برای آن فریبکاریها باقی نگذاشت و پوچی و بیهودگی تمامی چنان تبلیغاتی بار دیگر به اثبات رسید.

بدنبال حمله به خوابگاه دانشجویان دانشگاه تهران و وحشی‌گری‌هایی که نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی نشان دادند، اعتراض دانشجویان کاملاً از

چهارچوب جناحهای درونی رژیم خارج شد و به خیابانها کشیده شد. به این ترتیب اعتراض دانشجویی ضمن پیوند با مردم و سردادن حادثترین و رادیکالترین شعارها کلیت رژیم موجود را آشکارا آماج حملات خود قرار داد.

روزهای دوشنبه و سه شنبه (۲۱ و ۲۲ تیرماه) تهران شاهد شورش توده‌هایی بود که با سردادن شعار "حکومت زور نمی‌خواهیم، آخوند مزدور نمی‌خواهیم" نشان دادند که ماهیت وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی را به درستی شناخته و این واقعیت را دریافته‌اند که زور و دیکتاتوری، ذاتی رژیم موجود می‌باشد. دانشجویان و توده‌های به جان آمده در جریان خیزش عظیم خود در حالیکه همه ارگانها و نهادهای ظلم و ستم و سرکوب را آماج حملات خود قرار داده بودند ضمن یادآوری روزهای فراموش نشدنی قیام بهمن ۵۷ (۱) فریاد بر می‌آوردند که "وای به روزی که مسلح شویم". به این ترتیب آنها نشان دادند که راه مبارزه با دیکتاتوری حاکم جهت رسیدن به آزادی را نیز دریافته‌اند و می‌دانند که شرط رهایی از قید سلطه امپریالیسم و دیکتاتوری موجود، نه دل بستن به تحولات درونی و استحاله داخلی این رژیم سرکوبگر بلکه سرنگونی رژیم آنهم از طریق مبارزه قهرآمیز انقلابی است.

سردمداران جمهوری اسلامی که در ابتدا جهت مهار خشم و اعتراض دانشجویان ریاکارانه از زبان خامنه‌ای می‌گفتند حمله به خوابگاه دانشگاه "قلب مرا جریحه دار کرد" و اندرز می‌دادند که "اگر عکس من را هم آتش زدند یا پاره کردند باید سکوت کنید" و قتیکه متوجه شدند با سلاح فریب و نیرنگ کارشان پیش نمی‌رود و به اندازه کافی نیروهایشان را جهت حمله به مردم آماده کرده‌اند شمشیر را از نیام در آورده و فریاد سردادند "فرزندان بسیجی‌ام باید ... دشمنان زیور را مرعوب و منکوب سازند" و البته روشن بود که در سرکوب مبارزات حق طلبانه مردم جهت حفظ نظام ظالمانه موجود خاتمی هم از خامنه‌ای عقب نخواهد ماند و به همین دلیل هم بود که خاتمی فریبکار که تا دیروز از "حکومت قانون" و

"حقوق شهروندان" سخن می‌گفت دانشجویان و مردم معترض را آشوب طلب و خشونت طلبانی که سوء نیت دارند قلمداد نموده و ضمن نشان دادن چهره واقعی خود خواهان سرکوب آنها شد. خاتمی که تا دیروز جهت فریب توده‌ها لبخند از چهره اش محو نمی‌شد وقتی متوجه شد که اوج گیری مبارزات مردم، فریبکاری‌های او را نقش بر آب ساخته چهره واقعی خود را آشکار نموده و با خشم تمام اعلام کرد: "اینها سوء نیت دارند و قصدشان ایجاد خشونت در جامعه است و باید در مقابل اونها ایستاد و ما هم می‌ایستیم". البته روشن است که در چهارچوب جمهوری اسلامی، این رژیم دار و شکنجه، که تاکنون هزاران نفر از کارگران و زحمتکشان و مبارزان و کمونیستها را به خاک و خون کشانده است، ایستادن در مقابل مردم مفهومی جز کشتار و سرکوب توده‌ها ندارد. به این ترتیب همه سردمداران جمهوری اسلامی از هر جناح و دسته‌ای و علیرغم هر ادعایی که داشتند و یا دارند از فرصت استفاده کرده و اندر ضرورت سرکوب قاطعانه مبارزات مردم سخن گفتند. در این میان کار به آنجا کشیده شد که دبیر "شورای عالی امنیت ملی" رژیم و قیاحانه تهدید نمود که "چوانان مسلمان و غیور و انقلابی جمهوری اسلامی می‌توانند عناصر او باش را تکه تکه" و "قطعه قطعه" نمایند. (۲)

بواقع یکی از نتایج غیرقابل انکار این حرکت عظیم، افشای هرچه بیشتر سیاست فریبکارانه جمهوری اسلامی در جا زدن خاتمی بمثابة یک چهره "میان رو" بود. اوج گیری مبارزات مردم بار دیگر و این بار به روشنی تمام نشان داد که تمامی دار و دسته‌های رژیم موجود خواهان حفظ نظام ظالمانه موجود بوده و بر علیه خواستهای برحق توده‌های ستمدیده ما می‌باشند و به همین دلیل تنها راه مواجهه با رژیم حاکم بر کشور، انقلاب جهت سرنگونی آن می‌باشد و هرگونه دلبستگی به استحاله و رفم در این دیکتاتوری لجام گسیخته خواب و خیالی بیش نیست.

خیزش بزرگ دانشجویی اخیر که با سببیت

ستمدیده ما علیرغم همه وحشی‌گریها و سرکوبگری های رژیم لحظه ای هم از مبارزه برعلیه این جلادان باز نایستاده اند. سردمداران رژیم برای قوت قلب دادن به خود و نیروهایشان فراموش می‌کنند که این جوانان و مبارزان در شرایطی برعلیه ظلم و جور آنها بپاخواستند که آنها پیش از آن از "زبان بریدن" و "گردن زدن" سخن گفته و در جریان "قتلهای زنجیره ای" تا آنجا که می‌توانستند ددمنشی و حیوان صفتی خود را به نمایش گذاشته بودند و دیدند که باز هم جوانان ما بپاخاسته و در جریان خیزش اخیر فریاد سردادند "یا مرگ یا آزادی".

پاورقی‌ها:

۱- یکی از شعارهای خیزش اخیر شعار: "۲۰ سال سکوت تمام شده، مردم قیام شروع شده بود."

۲- البته سردمداران جمهوری اسلامی این بزدلانی که با دیدن اولین جرعه های خیزش مردمی وحشت سراپای وجودشان را فرا گرفت در شرایطی مردم ما را تهدید به "تکه تکه" و "قطعه قطعه" کردن میکنند که در ۲۰ سال اخیر به واقع چنین کرده اند ولی مردم

تمام به وسیله رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی سرکوب شد در همان حال از پتانسیل انفجاری عظیمی پرده برداشت که در اعماق جامعه ایران جای داشته و با توجه به قدرت سرنیزه فشرده نگهداشته شده است و نشان داد که علیرغم تبلیغات فریبکارانه جمهوری اسلامی و حامیان امپریالیستش و در تقابل با همه ادعاهای سازشکاران رنگارنگ، چه خشم و نفرت انقلابی و سیمی در بطن جامعه برعلیه کلیت رژیم حاکم انباشته شده است. خشم انقلابی ای که اگر به تمامی سرباز کند تمامی دارو دسته های رنگارنگ جمهوری اسلامی را علیرغم همه قلدری‌هایشان به زیاله دان تاریخ خواهد سپرد.



وای به روزی که مسلح شویم!

مرگ بر رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی!

نگاهی به دو سال حکومت خاتمی

(قسمت آخر)

اینها شمه ای از واقعیات و تغییراتی است که در دوره زمامداری دولت خاتمی در جامعه ما اتفاق افتاده است و می توان از آنها به عنوان میزان سنج اعتدال و میانه روی دولت خاتمی استفاده کرد. گرچه بر بستر چنین شرایطی دول امپریالیستی و دستگاههای تبلیغاتی فریبکار آنها همچنان از پیدایش روندهای دمکراتیک در ایران تحت زمامداری دولت خاتمی حرف می زنند، اما مردم آگاه ما کارنامه دولت میانه رو و معتدل خاتمی را با استناد به پراتیک و عملکرد این دولت و نه ادعاها و تبلیغات فریبکارانه مرتجعین قضاوت می کنند.

بحران نظام و منافع خاتمی و دارو دسته اصلاح طلبان در تحکیم جمهوری اسلامی

خاتمی و دارو دسته او زیر نام دغلاکارانه اصلاح طلبان، در زمانی توسط هیات حاکمه جمهوری اسلامی به صحنه گسیل شدند که موجی از یک بحران اقتصادی گسترده سراپای نظام سرمایه داری وابسته ایران را فرا گرفته بود. رکود و ورشکستگی وحشتناک اقتصادی، در کنار هیولای روبه رشد قرضهای خارجی که در چارچوب پیشبرد سیاستهای تعدیل اقتصادی دولت رفسنجانی هر روز بیشتر قد علم می کرد، سیستم حاکم را با معضلات و دشواری های عظیمی روبرو ساخته بود. به طوری که چشم انداز وقوع موج جدیدی از آشوب و ناآرامی های اجتماعی هر روز به شکل برجسته تری در مقابل گردانندگان رژیم جمهوری اسلامی قرار می گرفت. از سوی دیگر بر بستر تشدید بحران اقتصادی و تشدید استثمار و غارت و سرکوب کارگران و زحمتکشان، توده های محروم هر روز بیشتر از قبل به ماهیت ضدخلفی جمهوری اسلامی آگاه و نسبت به مصائب موجود معترض می گشتند. به این ترتیب از اواخر دوران ریاست جمهوری رفسنجانی می توان گفت که جامعه ما با یک موج بحرانی وخیم روبرو شده و تحت تاثیر این

سیستم بوروکراتیک نظامی حاکم و دولت در زمینه های اساسی بر علیه توده ها کاسته نشده است. در دو سال گذشته تا آنجا که بحث بر سر مبارزات، حقوق مدنی و آزادیهای طبقه کارگر و اکثریت ستمکش توده های ماست، سرکوب مبارزات و پایمال کردن حقوق بدیهی آنان (نظیر حق تشکل، حق اعتصاب، آزادی بیان...) همچون ۲۰ سال گذشته به شدت توسط دستگاه حاکم تداوم یافته است. اعدامها و سنگسارهای وحشیانه در دوران خاتمی همچنان ادامه یافته. در طول دو سال گذشته قوانین و لوائح ضدخلفی بر علیه زنان همچنان زیر نظارت دولت از تصویب مجلس گذشته است. اعتصابات کارگری و اعتراضات توده ای، قاطعانه و به شکلی خونین قلع و قمع شده اند. سرکوب و به خاک و خون کشیدن وحشیانه مردم روستاهای شمال که در اعتراض به تعذبات حکومت به پا خاسته بودند در دوره زمامداری آقای خاتمی صورت گرفته است. در همین دوران خاتمی است که روند تعطیلی مطبوعات مخالف - از هر دو جناح - که از خط قرمز نظام عبور کرده بودند با تائید صریح خود وزیر ارشاد خاتمی ادامه یافته و قلم نویسندگان و دگر اندیشان را شکسته اند. در همین دوران ریاست جمهوری آقای خاتمی است که سلسله ای از وحشیانه ترین آدم ربائی ها و قتلهای برنامه ریزی شده بر علیه روشنفکران و نویسندگان و مخالفین رژیم در گوشه و کنار کشور سازمان یافته و پای جناح ایشان و اطرافیان شان در سازماندهی این ترورها به میان آمده است. و بالاخره در همین دوران حکومت قانونی و جامعه مدنی جناح باصطلاح اصلاح طلبان است که تظاهرات برحق مردم شهرهای کردستان به خاک و خون کشیده شده و در حالی که سینه زنان و مردان و حتی کودکان خردسال با گلوله های نیروهای انتظامی تحت فرمان وزارت کشور ایشان از هم دریده شده، رئیس جمهور ۲۰ میلیونی رژیم حتی ککش هم گزیده نمی شود. در عوض ایشان در رثای جلالانی نظیر لاجوردی سوگواری میکنند و برای او به عنوان سرباز فداکار اعلامیه صادر می کنند.

در قسمت اول این مقاله، در مقابله با تبلیغات فریبکارانه امپریالیستی در سطح بین المللی که خاتمی را منتخب توده ها و تافته جدا بافته ای از کل حکومت جمهوری اسلامی جا می زنند، به طور خلاصه به شرایط و زمینه های مادی ای که در نظام جمهوری اسلامی منجر به انتخابات دوم خرداد و روی کار آمدن دولت خاتمی گردید پرداخته شد و بر بستر عملکردهای دو ساله دولت او، کذب تبلیغات فوق و اهداف ارتجاعی آن مورد بررسی قرار گرفت. و اکنون ادامه مطلب:

در این زمینه تا آنجا که به شعارهای خاتمی باز میگردد، همه میدانند که ترجیع بند نطقها و اظهارات رسمی دو سال اخیر رئیس جمهور رژیم، تلاش برای برقراری حکومت قانون و اجرای کامل قانون اساسی نظام جمهوری اسلامی در جامعه بوده و می باشد. توده های محروم ما در طول دو دهه حاکمیت خونبار جمهوری اسلامی با پوست و گوشت خود لمس کرده اند که تا زمانی که اساسی ترین رکن قانون اساسی رژیم، حق اعمال دیکتاتوری مطلق ولایت فقیه و التزام به این اصل در تمام عرصه های زندگی آحاد جامعه است، شعارهای حکومت قانون و اجرای قانون اساسی دولت خاتمی معنایی جز هرچه بهتر و رسمی تر اجرا کردن این اصل ضدخلفی بر علیه توده ها نداشته و به همین اعتبار جز به مفهوم تداوم سرکوب و وحشیانه بدیهی ترین حقوق اقتصادی - سیاسی و اجتماعی آنها زیر چکمه های نظام دیکتاتوری جمهوری اسلامی نمیباشد. خاتمی هیچگاه و در هیچ موقعیتی کمترین سخنی - تا چه رسد به برداشتن گام عملی - در تعارض با اصل دیکتاتوری ولایت فقیه به عنوان رکن اصلی قانون اساسی نظام جمهوری اسلامی ادا نکرده است و در چنین شرایطی تاکید او بر حکومت قانون و اجرای قانون اساسی در بهترین حالت اجرای ساده تر، رسمی تر و قانونی تر اصل ضدخلفی ولایت مطلقه فقیه بر زندگی توده هاست.

از شعارهای رئیس جمهور نظام که بگذریم، در زمینه عمل باید به حق متذکر شد که در طول دو ساله گذشته ذره ای از قاطعیت

کاروکارگر، صبح امروز، سلام و... که در شرایط بحرانی کنونی در همه جا پرچمدار مبارزه و مخالفت با رژیم جمهوری اسلامی و ارتجاع حاکم شده اند. و از آن بدتر ما شده ایم که در یکی دو سال اخیر دستگاه تبلیغاتی ارتجاع کوشیده تا این "مخالفین" کاسه داغتر از آش را دلسوز و راهبر توده‌ها معرفی کرده و با سعی در بسیج توده های به جان آمده در پشت پرچم این دشمنان قسم خورده خلق، انرژی مبارزاتی توده ها را به هرز ببرد.

در این شکی نیست که در شرایط بحرانی کنونی و در شرایط رشد مبارزات توده ها بین جناحهای متخاصم بورژوازی وابسته در حکومت، بر سر آنکه باید برای مهار سیل خشم توده ای سیاست سرکوب عریان و بستن شمشیر از رو را به پیش برد و یا باید به موازات سرکوب، سیاست منتظر نگاه داشتن و "خفه کردن" مردم با "عسل" را پیاده کرد اختلافات دائم التزاندی وجود دارد. در مواجهه با این وضعیت تاکتیک صحیح و انقلابی نه توهم پراکنی حول دامنه "لابتاهای" این تضادها در درون صفوف جلاان حاکم و دنباله روی از جناحی از دشمنان قسم خورده خلق در مقابل جناح رقیب، بلکه افشای کلیت نظام جبارانه حکومتی و طبقه حاکم در مقابل جنبش توده هاست. امروز این حقیقت را باید توضیح داد که هدف و وظیفه اصلی خاتمی و دارو دسته های "میانه رو" در مقابل کارگران و زحمتکشان این است که با اصرار بر پیش بردن سیاست خفه کردن توده ها با "عسل" در کنار سیاست سرکوب قهرآمیز در واقع روندهای اعتراضی موجود در جامعه را کنترل و هدایت کنند. آنها می‌کوشند که در نهایت، بروز اعتراضات غیر قابل اجتناب توده ای را عقب انداخته و حتی الامکان آن را زیر کیان وابستگان به خود نظام متمرکز کنند و در همه حال به شدت مواظب باشند تا در فضای بحرانی جامعه میاداد کوچکترین شکافی در ماشین سرکوب نظام ایجاد گشته و جنبشهای مردمی رادیکالیزه و از کنترل خارج شوند.

خاتمی با پوشیدن ردای "اعتدال" در واقع برای پیشبرد این روند ضدخلقی و سرکوبگرانه سکان را بدست گرفته؛ او و کارزار "دو خرداد" نه منشأ و یا عامل به میدان آمدن توده ها بلکه سلاخی برای کنترل جنبشها و اعتراضات توده ای هستند. این نکته، تفاوت اصلی و آن مرزی است که در دو سال اخیر صف انقلابیون مدافع توده ها را از صف سازشکاران و مرتجعین جدا

وضع، ما شاهد بروز روحیه تعرضی جدیدی در میان مردم و بویژه اقشار زحمتکش بوده ایم. وقوع هزاران اعتصاب کوچک و بزرگ کارگری و حرکات اعتراضی توده ای که در موارد متعددی رنگ قهرآمیز به خود گرفته جلوه ای از این روحیه اعتراضی اجتماعی است. بدون شک این وضع از نظر سران حکومت و دستگاههای اطلاعاتی رنگارنگ آنها که اوضاع جامعه و روحیات توده ها را به صورتی سیستماتیک مطالعه و ارزیابی میکنند پوشیده نموده و برنامه ریزان نظام را به چاره جویی برای مقابله با این اوضاع سوق می‌داد. این وضع به طور جسته و گریخته در تریبونهای رسمی رژیم نیز منعکس شده و هراز چندگاهی "زنگهای خطر" برای سردمداران حکومت را به صدا در می‌آورد. سوال این بود که اگر سرکوب عنان گسیخته سالهای گذشته هنوز نتوانسته فضای دلخواه هیات حاکمه، یعنی سکوت قبرستان را بر جامعه ما حکمفرما کند پس باید به موازات تداوم سرکوب، تدابیر دیگری هم برای منکوب ساختن توده ها و کنترل اوضاع انفجاری جامعه اندیشید. ظهور ناگهانی خاتمی میانه رو و باصطلاح جناح اصلاح طلبان پاسخی به این ضرورت از سوی طبقه حاکم در آستانه سومین دهه از حیات سیاه جمهوری اسلامی بوده است.

اگر نمی‌توان نظام حاکم را از زیر ضرب انتقادات و تنفر رشد یابنده توده ها بیرون کشید، پس چه بهتر که دارو دسته های مختلفی از هیات حاکمه با گرفتن ظاهر "مخالف"، خود با دست گذاشتن بر این انتقادات، پرچمدار "اعتراض" اجتماعی باشند. به جای آنکه ولایت فقیه زیر ضرب نایبوند کننده خشم توده ای قرار گیرد، چه بهتر که دارو دسته های موسوم به اصلاح طلب به نحوی کنترل شده و پیش گیرنده و به شکلی کاملاً صلح آمیز به انتقاد از آن بپردازند و سعی کنند تا با سوار شدن بر احساسات توده ها، جهت اصلی اعتراض آنها را به بیراهه ببرند. و به مبارزات توده ها در چهارچوب نظام دیکتاتوری موجود لگام بزنند. تحت چنین شرایط بغرنج و بحرانی است که بویژه در غیاب یک نیروی متشکل انقلابی و رادیکال، ما شاهد رشد یک شبه طیف رنگارنگی از مرتجعین و جلاان شناخته شده نظام نظیر خلخالی، منتظری، کرباسچی، فائزه رفسنجانی، طبرزدی و یا انتشار جرائدی می‌باشیم که گردانندگان اصلی آنها از مهره های سابق و فعلی وزارت اطلاعات رژیم هستند (نظیر

کرده است. در چنین چهارچوبی است که میتوان فهمید صحبت بر سر بلند کردن پرچم رفم و یا بر سر عقل آمدن جناحی از دیکتاتوری حاکم - یعنی اصلاح طلبان - برای ایجاد کشایش های اقتصادی - سیاسی در جامعه ما نبوده و نیست. چرا که اصولاً ساختار به شدت متمرکز نظام و دیکتاتوری بورژوازی وابسته در ایران همانگونه که در چند دهه گذشته نشان داده شده فاقد کمترین پتانسیلی برای تغییر از طریق ایجاد رفرمها و اصلاحات بوده و ایجاد کوچکترین شکافی در سد آهنین دیکتاتوری در این نظام به امکان در هم شکستن این سد پا خواهد داد. این حقیقت را طبقه حاکم یعنی سرمایه داران زالوصفت وابسته و نمایندگان سیاسی آنها یعنی هیات حاکمه جمهوری اسلامی نیک می‌دانند و اتفاقاً روی کار آمدن خاتمی پاسخی برای اجتناب از چنین سرنوشتی است. مساله اصلی و وظیفه مرکزی او کنترل و هدایت جنبش اعتراضی توده ها به منظور تخفیف روحیه اعتراضی و سرانجام منکوب کردن آن است. برخی از اختلافات بالاآنها هم بر سر چگونگی همین روند است. در شرایطی که جناح محافظه کاران در همه جا فریاد میکشند که ای وای با کارهای دولت خاتمی "اسلام" برپا در رفت - امری که خود بخود و به شکلی غیرمستقیم به تقویت موضع رئیس جمهور "مخالف" محافظه کاران در افکار عمومی ناآگاه یاری می‌رساند - و می‌نالد که با این تاکتیکها کنترل از دست ما خارج و فضای رشد ضدانقلاب فراهم خواهد شد، و خواهان عزل خاتمی و دولتش هستند. در همان حال عناصر دوربین تر نظام، خاتمی را "حلوای طلوع" می‌کنند و از زبان عناصری نظیر بهزاد نبوی فریاد می‌کشند "خاک بر سرتان (*) اگر خاتمی برود یعنی نظام رفته است". خاتمی همانگونه که گفته برای تثبیت موقعیت داخلی رژیم در دهه سوم حاکمیت جمهوری اسلامی بر سر کار آمده است. به این ترتیب اگر اکنون مطبوعات به وسعتی بیشتر از قبل در یک چارچوب کنترل شده و با خط دفاع از خاتمی و اصلاحات او می‌نویسند و انتقاد می‌کنند - و خیلی از آنها به خاطر عبور از خط قرمز در این انتقادات تعطیل و یا منفرج هم می‌شوند - اگر زنان -

* - از گزافه گویی خفته در این اظهار نظر در مورد نقش فرد خاتمی که بگذریم، اما این گونه بیانات به خوبی نشان دهنده نقشی که هم اکنون دولت او برای تحکیم و تقویت نظام ضدخلقی موجود به عهده گرفته است.

البته در معدودی از شهرهای بزرگ - از این موهبت برخوردار شده اند که قسمت بیشتری از موی سر خود را بدون ایجاد مزاحمت از سوی مامورین حکومت بیرون بگذارند و یا اگر جلوی زوجهای دختر و پسر را ظاهراً کمتر در خیابانها می‌گیرند - چرا که بخشا برخی از این ایجاد مزاحمت‌ها می‌تواند سریعاً به جرقه‌ای برای ایجاد یک تجمع خونبار ضد دولتی تبدیل شود - و بالاخره اگر کنسرت پاپ البته اسلامی برقرار می‌کنند و... این عملکردها نه از حب علی (یعنی رفرمیسم) آقای خاتمی و دارو دسته اش (بلکه از بغض معاویه (یعنی سیاست کنترل فضای بحرانی و انفجاری در جامعه) می‌باشند. جامعه ای که اگر سوپاپهای اطمینان از سوی گردانندگانش به اندازه کافی برای آن نصب نشود با امکان انفجار و وارد شدن ضربات سنگین بر کل نظام روبرو خواهد بود. روندهای جاری و به میدان فرستادن خاتمی نمایانگر تلاش هیات حاکمه برای انحراف یک موج عظیم توده ای و تاخیر و تضعیف کردن امکان بروز یک برآمد انقلابی قهرآمیز در آغاز سومین دهه حیات ننگین جمهوری است.

حکومت خاتمی و دو دیدگاه در میان اپوزیسیون

در برخورد با رویدادهای دو سال اخیر در جامعه و در میان صف رنگارنگ مخالفین رادیکال رژیم ما با بروز دو دیدگاه کاملاً متفاوت مواجه بوده ایم.

یکی از این دو دیدگاه متعلق به نیروهای رفرمیست و سازشکار و دوستان نادان خلق است که روی کار آمدن خاتمی بار دیگر به فرصتی بدل شده تا آنها با فراموش کردن تمامی واقعیات وحشتناک حکومت جنایتکارانه جمهوری اسلامی، فریب شعارها و مانورهای هیات حاکمه جمهوری اسلامی را خورده و با تحلیل غیرواقعی از ماهیت خاتمی به توهم پراکنی در افکار عمومی در مورد "میان روی" و "اعتدال" او بپردازند.

از نظر این گروه، خاتمی و "اصلاح طلبان" نماینده رای توده‌ها هستند، - حتی اگر این رای برای دادن یک "نه بزرگ" به جناح حاکم به حساب ایشان ریخته شده باشد. - او در مقایسه با سایر سرمداران "مرتجع" و "انحصار طلب" و "سنّتی"، تحصیلکرده غرب، "لیبرال" و به درجات معینی

"آزادخواه" و "معتدل" است. درست به دلیل همین خصوصیات، خاتمی - البته در "رادیکالترین تحلیلهای این گروه" - به خاطر حفظ کلیت نظام از خطر سقوط هم که شده، خواهان ایجاد تحولات تدریجی و مسالمت آمیز در سیستم بوده و می‌خواهد که با ایجاد "جامعه مدنی" نهایتاً جمهوری اسلامی را به یک رژیم "متعارف" بورژوایی با حدود و ثغور لیبرالی تبدیل کند. در معادلات خیالی این دیدگاه، از آنجا که محاسن وجود یک رژیم "متعارف" بورژوایی در شرایط ایران نسبت به یک رژیم سرمایه داری "مذهبی" و "قرون وسطایی" کتمان ناپذیر است، پس از نظر آنان باید به این روند دامن زد، توده‌ها را برای تقویت این روند و شکل دادن به اوضاع از "بدر" به "بد" تشویق کرد و نهایتاً باید رفتار و اقدامات "اصلاح طلبان" را در مقابل "محافظه کاران" زیر عنوان گرفتن "لبه تیز حمله" به سوی محافظه کاران و... تقویت نمود تا شرایط برای گذار به شرایطی دمکراتیک تر و سرانجام استحاله جمهوری اسلامی آماده شود.

این دیدگاه به لحاظ اصولی نادرست و نتایج عملی آن به شدت فاجعه بار و غیرانقلابی است. چرا که مدافعان این دیدگاه با اشاعه چنین توهماتی نه تنها از یک فرض غلط - در مورد ماهیت معتدل خاتمی - حرکت می‌کنند بلکه از خاتمی به عنوان یک مهره با سابقه و اصلی نظام دیکتاتوری جمهوری اسلامی، چهره یک جریان ضد دیکتاتور، مردمی و دمکرات می‌سازند.

از جنبه دیگر آنها با ارائه چنین تبیینی، به جای زیر ضرب بردن کل نظام و تمامیت ارتجاعی رژیم - که در ۲۰ سال گذشته در شعار درست اپوزیسیون رادیکال حکومت مبنی بر مرگ بر رژیم جمهوری اسلامی! برای ایجاد هرگونه تحول انقلابی منعکس می‌شد - با قرار دادن "لبه تیز حمله" به سوی یک جناح از حاکمیت، توده‌ها را تشویق میکنند که به جای کل نظام ظلم و سرکوب حاکم، تنها بخشی از هیات حاکمه را زیر ضرب گرفته و با دنباله روی از یک جناح هیات حاکمه، کل سیستم سرمایه داری وابسته را به عنوان عامل اصلی ادبار توده‌ها از آماج جنبش انقلابی خارج می‌کنند. شعارها و تاکتیکهایی هم که به طور منطقی تحت تاثیر این نگرش حاصل شده و در ادبیات این گروه هویداست نهایتاً آنها را در مواجهه با اوضاع بحرانی جامعه به هواداری و دنباله روی از بخشی از مرتجعین فریبکار حاکم و بالنتیجه ترک میدان مبارزه خواهد کشاند. دیدگاه این

گروه، دیدگاه طبقات مرفه جامعه و دیدگاه اقلیت سازشکاری است که به خاطر منافعی که از اوضاع ذلت بار اقتصادی کنونی برایشان حاصل شده بهشت برین خود را در "جامعه مدنی" آقای خاتمی می‌جویند و برای او هورا می‌کشند.

در مقابل چنین دیدگاه غیرانقلابی‌ای، دیدگاه انقلابی قرار دارد که منعکس کننده خواستها و منافع کارگران و توده‌های محروم ماست.

این واقعیتی است که برای میلیونها تن از کارگران و توده‌های زحمتکش (یعنی اکثریت آحاد جامعه تحت سلطه ما) دو سال حکومت دولت خاتمی ارمغانی جز تشدید سیر قهقراپی در زندگی پررنج و محنت آنها و تداوم فقر و بدبختی و سرکوب در ابعادی وسیعتر به بار نیاورده است. برای میلیونها زحمتکشی که در زیر خط فقر و یا در خط بقاء زندگی می‌کنند کمترین چشم اندازی برای بهبود اوضاع در چارچوب نظام و سیستم موجود وجود ندارد. برای آنها خاتمی نیز جزئی از دستگاه بوروکراتیک - نظامی حاکم و مهره‌ای است که در طول دو دهه حیات خونبار جمهوری اسلامی، خدمات شایانی را برای حفظ و حراست از منافع سیستم در مقابل خشم و نفرت توده‌های محروم به انجام رسانده است. خاتمی در زندگی واقعی طبقات محروم نه تنها "ناجی" و "قهرمان" توده‌ها نیست، بلکه تجسم و تداوم گرانی، بیکاری، فقر، خفقان و سرکوب و تشدید وابستگی جامعه در تمام عرصه‌ها به قدرتهای امپریالیستی است.

در نتیجه این واقعیات هرگونه حمایت و دنباله روی و تطهیر خاتمی و جناحش در تحولات جاری، تحت هر بهانه‌ای نهایتاً خیانت به منافع توده‌های محروم و خدمت به بقای کلیت سیستم جابرانه حاکم است.

در شرایط کنونی نیروهایی که با هر بهانه و تحت هر توجیهی در موضع گیریهای خود می‌کوشند تا توده‌ها را به حمایت از شعارهای دروغین فریبکارانی نظیر خاتمی مجاب سازند، در عمل کاری نمی‌کنند جز آنکه نهایتاً انرژی مبارزاتی آنها را زیر عبای یکی از آخوندهای مرتجع برعلیه دیگری بسیج نمایند. در تحولات جاری در جامعه بحرانی ما، تحولاتی که مشخصه آن حضور وسیعتر توده‌های معترض در میدان است باید آنها را هرچه بیشتر به تشکیل صف مستقل مبارزاتی خود برعلیه

دشمن مشترک دعوت نمود و بر آتش مبارزات آنها در جهت سرنگونی انقلابی رژیم جمهوری اسلامی و تمامی دارو دسته های درونی اش دامن زد. این تنها دیدگاه انقلابی و تنها راه عملی است که دشمن مشترک دعوت نمود و بر آتش مبارزات آنها در جهت سرنگونی انقلابی رژیم جمهوری اسلامی و تمامی دارو دسته های درونی اش دامن زد. این تنها دیدگاه انقلابی و تنها راه عملی است که

ع- شفق
اردیبهشت ۷۸

نسلی که در بیست سال اخیر در ایران بزرگ شده اند، منتقل کند. آنها که دستگیر شده اند اغلب زیر ۲۰ سال دارند و این هشدار است. نسل اول انقلاب نتوانسته است ارزشهای خود را به نسل دوم منتقل کند. این تهدیدی است و ما نباید بی اعتنا از کنار آن بگذریم.

هدف قرآن است: "مردم ایران، مخصوصاً آذربایجان غربی حاضرند برای مجازات محاربان به پای دار بیایند و اجرای اعدام را تماشا بکنند. من خودم با مسلسل حاضرم این کار را بکنم، به چشم او خواهم زد. به خدا تیرم به خطا نرفته است. ما را خشونت گرامی گویند، بگذار بگویند."

گزیده ای از سخنان و دیدگاه های گردانندگان رژیم جمهوری اسلامی

خامنه ای: مارکسیسم جزء موزه تاریخ سیاسی جهان شده و سرمایه داری از پاسخ دادن به نیازهای معنوی رو به رشد ملل غربی عاجز است و گرایش به معنویت در بین آنها روزافزون است و هیچ آئین و مکتب فکری ظرفیت اسلام را برای پاسخگویی به نیازهای روحی انسان عصر ما ندارد.

خیزشهای توده‌ای اخیر و اظهارات دست اندرکاران رژیم

آیت الله مصباح یزدی، مدرس حوزه علمیه قم در نماز جمعه تهران: در مقابل کسانی که سربه آشوب بر می دارند، خشونت جایز است و این دستور اسلام و قرآن است. هرکسی در مقابل حکومت حق مخالفت کند، باید سرکوب شود. اول نصیحت، بعداگر نپذیرفت شمشیر.

آیت الله مصباح یزدی، از مدرسان حوزه علمیه قم: اگر دمکراسی به معنای انجام تمامی خواسته های مردم ولو خواسته های غیراسلامی باشد، در کشور ما دمکراسی وجود ندارد و اگر تحقق اهداف اسلامی به جز از راه خشونت میسر نباشد، این کار ضروری است.

رفسنجانی: تلخی نخستین این حوادث این بود که به عمود خیمه انقلاب و ولایت فقیه که عمود انقلاب و عظمت و شکوه استقلال کشور ماست، اهانت شد.

ابوالقاسم خزعلی عضو شورای نگهبان: نه تنها شورای نگهبان نباید به ارائه دلیل برای رد صلاحیت متقاضیان نامزدی در انتخابات مجلس ملزم شود، بلکه مردم حق انتقاد از تصمیمات این شورا یا دستورات ولی فقیه جمهوری اسلامی را ندارند.

ملا حسنی امام جمعه ارومیه: نباید اجازه می دادید دانشجویان جمع می شدند. من با آن مخالفم. کسانی که تجمع میکنند باید دست راست و یا پای چپ و یا دست چپ و پای راست آنها قطع شود. به ما خشونت گرامی گویند، ما آنها را اعدام میکنیم چون

آیت الله یزدی رئیس قوه قضائیه: آن آزادی که هر کسی هرچه می خواهد بگوید و بنویسد در این کشور نیست.

ملا حسنی امام جمعه ارومیه: روزنامه نگاری که نمی داند چه می نویسد باید بمیرد.

خاتمی رئیس جمهور رژیم در همدان: پایه های حادثه ساده نبود، تلاشی بود برای متزلزل کردن پایه های نظام. در واقع این شورش نه تنها یک عمل ضد امنیتی و ضد آرامش بود بلکه یک اعلان جنگ با رئیس جمهوری و شعارهایش بود. و دولتها معمولاً برای سرکوب شورشها از تانک، زره پوش و سلاحهای سنگین استفاده می کنند. اما کدام افتخار بالاتر از این برای ملت، دولت و شورای عالی امنیت ملی، نیروهای انتظامی و نظامی ایران بالاتر از این که در یک شهر ۱۰ میلیون نفری مثل تهران، آشوب و بلوای فراگیری بدون شلیک یک گلوله از سوی نیروهای انتظامی قرونشانده می شود.

علی فلاحیان وزیر اطلاعات اسبق جمهوری اسلامی: گروهکهایی مانند نهضت آزادی خیلی خطرناک هستند، متأسفانه یک مقدار به این ها اجازه فعالیت داده شد که مشکلاتی را هم آفریده اند.

رفسنجانی رئیس مجمع تشخیص مصلحت: جریانهای سیاسی ظرفیت خودشان را بفهمند و لقمه های بیشتر از دهانشان برندارند و در حدی که ظرفیتشان است وارد مسایل سیاسی مملکتی شوند.

رفسنجانی: انقلاب اسلامی از برکت رهنمودهای امام راحل، وظایف خود را نسبت به کارگران انجام داده است. امروز کارگران احساس میکنند با دیگر طبقات جامعه برابر هستند و



رفسنجانی، رئیس مجمع تشخیص مصلحت: مقامهای عالی کشور در مذاکرات فشرده متمرکز و جدی، از ریشه، مسایل را حل کردند و لازم نبود در این موقع همه چیز با مردم در میان گذاشته شود و کم کم همه چیز درک می شود.

روزنامه نشاط: دیروز شاهد تجمع دانشجویانی بودیم که از فاجعه کشته شدن دوستانشان بسیار ناراحت بودند.

اکبر گنجی، روزنامه نگار: آقای خاتمی آخرین نجات دهنده است و شکست او به نابودی تمامی اسلام گرایان، چه اصلاح طلب و چه محافظه کار خواهد انجامید.

فائزه هاشمی: جناح راست فهمید که اگر دست از این تحریکات برندارد، کنترل اوضاع را به کلی از دست خواهد داد و بار دیگر، به جای تظاهرات انفجار صورت خواهد گرفت.

محمد محمدی گلپایگانی، رئیس دفتر خامنه ای: انقلاب اسلامی نتوانسته است ارزشهای خود را به



نگاهی به شعارهای خیزش شش روزه دانشجویان

بدنبال حمله دامنشانه نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی به خوابگاه دانشجویان دانشگاه تهران موجی از اعتراض و تظاهرات سراسر کشور را فرا گرفت. حداقل در ۱۸ شهر کشور از جمله تبریز، اصفهان، مشهد، شیراز، رشت، کرج، خرم آباد، همدان، شاهرود، یزد، کاشان، بیرجند، زنجان، ارومیه، اردبیل، مهاباد، سنندج و..... دانشجویان و توده های ستمدیده دست به تظاهرات زده و با سردادن شعارهای گوناگون، خشم و نفرت خود را نسبت به جنایات رژیم در کوی دانشگاه ابراز داشتند.

شعارهای مختلفی که در جریان این راهپیمایی ها و اعتراضات از سوی تظاهرکنندگان سرداده شد نشان میدهد که چگونه دانشجویان مبارز و انقلابی، چهارچوب های تحمیل شده از سوی جناح بندیهای درونی رژیم، سازشکاران و فریب خوردگان را درهم شکسته و با سردادن رادیکال ترین شعارهای انقلابی، کلیت رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی را آماج حملات خود قرار دادند.

از آنجا که بررسی شعارهایی که در طی راهپیمایی ها و تظاهرات دانشجویان و مردم در سراسر کشور داده شد به شناخت خیزش دانشجویی - مردمی اخیر کمک می کند در زیر توجه شما را به تعدادی از آنها جلب می کنیم.

روشن است که در اینجا بحث بر سر درستی یا نادرستی فلان شعار نیست. جهت آگاهی خوانندگان پیام فدایی، ما حتی برخی از شعارهایی که در طی آن مردم احساس خود را با توسل به رکیک ترین الفاظ بیان نموده اند را در اینجا درج کرده ایم. شعارهایی که قبل از اینکه بیانگر آگاهی مردم ما باشد از حدت خشم و نفرت آنها نسبت به سردمداران جمهوری اسلامی پرده بر می دارد.

- ۱- آزادی مطبوعات ابقا باید گردد!
- ۲- طرح سعید معدوم ملغی باید گردد!
- ۳- دانشجو دانشجو اتحاد اتحاد!
- ۴- با چوب و سنگ و تیشه سلام تعطیل نمیشه!
- ۵- خاتمی خاتمی اقتدار اقتدار!
- ۶- جنتی جنتی خجالت خجالت!
- ۷- دانشجوی عزیز شهادتت مبارک!
- ۸- ستارگان تابناک آسمان آزادی کوچ سرختان مبارک!
- ۹- ۱۸ تیر امسال ۱۶ آذر ماست!
- ۱۰- مصدق، فروهر راهت ادامه دارد!
- ۱۱- لطفیان لطفیان استعفا استعفا!
- ۱۲- عزا عزاست امروز روز عزاست امروز دانشجوی بی پناه صاحب عزاست امروز!
- ۱۳- امنیت دانشجو تامین باید گردد!
- ۱۴- قتل دانشجو رسوایی استبداد!
- ۱۵- دانشجو دانشجو حمایت می کنیم!
- ۱۶- چراغ لاریجانی خاموش باید گردد!
- ۱۷- سنگ چماق و باتوم دیگر اثر ندارد!
- ۱۸- حزب الله، امامی، نیروی انتظامی پیوندتان مبارک!
- ۱۹- مرگ بر قاتلین!
- ۲۰- دانشجو بپاخیز از حرمت دفاع کن!
- ۲۱- علی لاریجانی استعفا استعفا!
- ۲۲- کیهان و رسالت ارگان جنایت!
- ۲۳- وزیر اطلاعات استعفا استعفا!
- ۲۴- فرمانده نیروی انتظامی استعفا استعفا!
- ۲۵- برادر ارتشی چرا برادر کشی!
- ۲۶- خاتمی خاتمی کجایی!
- ۲۷- خاتمی کجایی دانشجویان کشته شدند!
- ۲۸- فرمانده کل قوا پاسخگو پاسخگو!
- ۲۹- ای ملت با غیرت حمایت حمایت!
- ۳۰- عزا عزاست امروز روز عزاست امروز دانشجوی آزاده صاحب عزاست امروز!
- ۳۱- فروهر فروهر راهت ادامه دارد!
- ۳۲- ایران به جز آزادی راه دیگر ندارد!
- ۳۳- مردم به ما ملحق شوید!
- ۳۴- ما مجلس تحمیلی نمی خواهیم!
- ۳۵- جنتی اعدام باید گردد!
- ۳۶- جنتی ملاعمر اعدام باید گردد!
- ۳۷- یا اسلام و قانون یا انقلابی دیگر!
- ۳۸- دانشجو بپاخیز برادرت کشته شد!
- ۳۹- پلیس به این بی غیرتی هرگز ندیده ملتی!
- ۴۰- ایرانی بپاخیز برادرت کشته شد!
- ۴۱- زندانی سیاسی آزاد باید گردد!
- ۴۲- طالبان حیا کن مملکت را رها کن!
- ۴۳- مرگ بر بسیجی!
- ۴۴- مرگ بر یزدی ننگ بر خامنه ای!
- ۴۵- مرگ بر انصار حزب الله!
- ۴۶- آزادی اندیشه همیشه همیشه!
- ۴۷- دانشجو می رزم می میرد ذلت نمی پذیرد!
- ۴۸- عزا عزاست امروز دانشجوی قهرمان صاحب عزاست امروز!
- ۴۹- نیروی انتظامی تسلیت تسلیت!
- ۵۰- خاتمی خاتمی تسلیت تسلیت!
- ۵۱- دانشجو می رزم حکومت می لرزد!
- ۵۲- قاتلان فروهر زیر عبای رهبر!
- ۵۳- آخوند برو گمشو!
- ۵۴- کیهان، رسالت دو عامل جنایت!
- ۵۵- ایرانی می میرد ذلت نمی پذیرد!
- ۵۶- رهبر بی لیاقت عامل هر جنایت!
- ۵۷- دانشجویان مرگ را بر تسلیم ترجیح می دهند!

- ۵۸- انصار جنایت میکند رهبر حمایت می‌کند!
 ۵۹- رئیس کل قوا استعفا استعفا!
 ۶۰- دانشجوی بت شکن بت بزرگ را بشکن!
 ۶۱- مرگ بر استبداد!
 ۶۲- خامنه ای استعفا استعفا!
 ۶۳- مرگ بر این حکومت ریش و پشم!
 ۶۴- توپ تانک مسلسل
 دو تاش به ک..... رهبر، یکیش به ک..... اکبر!
 ۶۵- توپ تانک فشفشه رهبر ک..... شه!
 ۶۶- تنگ بر این حکومت پرفریب!
 ۶۷- مرگ بر انحصار مرگ بر دیکتاتوری!
 ۶۸- دانشجو می‌میرد ذلت نمی‌پذیرد!
 ۶۹- توپ تانک مسلسل دیگر اثر ندارد!
 ۷۰- برکنار برکنار حکومت آخوندی برکنار!
 ۷۱- مرگ بر دیکتاتوری!
 ۷۲- مرگ بر استبداد مرگ بر دیکتاتورها!
 ۷۳- خشونت خشونت یکبار برای همیشه!
 ۷۴- ما دولت زور نمی‌خواهیم
 پلیس مزدور نمی‌خواهیم!
 دیگر اثر ندارد!
 ۷۵- توپ تانک بسیجی
 ۷۶- مرگ بر خامنه ای!
 ۷۷- مرگ بر خاتمی!
- ۷۸- حکومت زور نمی‌خواهیم
 آخوند مزدور نمی‌خواهیم!
 ۷۹- مرگ بر دیکتاتور!
 ۸۰- آزادی اندیشه با ریش و پشم نمی‌شه!
 ۸۱- آزادی اندیشه با دیکتاتور نمی‌شه!
 ۸۲- خامنه ای حیا کن مملکتورها کن!
 ۸۳- خامنه ای حیا کن سلطنت را رها کن!
 ۸۴- حکومت آخوندی ملغا باید گردد!
 ۸۵- به مادرم بگوئید دیگر پسر ندارد
 سرنیزه و مسلسل دیگر اثر ندارد!
 ۸۶- یا مرگ یا آزادی!
 ۸۷- زنده باد آزادی مرگ بر استبداد!
 ۸۸- لحظه به لحظه گوئیم زیر شکنجه گوئیم یا مرگ یا آزادی!
 ۸۹- توپ تانک مسلسل دیگر اثر ندارد
 به مادرم بگوئید دیگر پسر ندارد!
 ۹۰- چوب و چماق و چاقو دیگر اثر ندارد
 به مادرم بگوئید دیگر پسر ندارد!
 ۹۱- مردم چرا نشستین ایران شده فلسطین!
 ۹۲- بیست سال سکوت تمام شد مردم قیام شروع شد!
 ۹۳- می‌کشم می‌کشم آنکه برادرم کشت!
 ۹۴- وای به روزی که مسلح شویم!



آنچه مشاهده میکنید صحنه ای از قطع دست و پای مجرمین و جلوه ای از جنایات شنیع امپریالیسم و ارتجاع بر علیه خلقهای ستمدیده افغانستان توسط طالبان است. نظیر این جنایات توسط همپالگلهای طالبان در ایران یعنی مزدوران رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی همه روزه به اشکال گوناگون در گوشه و کنار مملکت بر علیه توده های تحت ستم ما اتفاق می‌افتد. خبر زیر نمونه کوچکی از این حقیقت است.

بحکم دادگاه شرع مشهد مزدوران رژیم دست ۹ تن را بجرم سرقت قطع کردند. این جنایت در زندان مشهد وبا حضور مقامات قضایی حکومت و در حالی که ۱۵۰ زندانی دیگر برای مشاهده این مجازات جمع آوری شده بودند صورت گرفت. همچنین در تبریز نیز بنا به حکم وحشیانه یک دادگاه اسلامی حکومت انگلستان دست راست ۳ سارق قطع شد.

وای به روزی که مسلح شویم!

برگرفته‌هایی از مقالات برجسته مانتی ریویو

نام : بحران مالی آسیای شرقی

نویسنده : ویلیام تاب

شماره : دومین شماره از پنجاهمین سری

تاریخ : ژوئن ۱۹۹۸

استحاله مالی آسیای شرقی در اواخر سال ۱۹۹۷ علاوه بر سیه روزی و تباهی هرچه بیشتر زندگانی صدها میلیون انسان در این منطقه، همچنین کوهی از اوراق بهادار به ارزش یک تریلیون دلار را نیز بر باد داد.

بحران مالی آسیای شرقی منعکس کننده دو گرایش شناخته شده و دیرآشنا میباشد. گروه اول، گرایشات بحران زای ناشی از بازارهای کنترل نشده در نظام سرمایه داری میباشد؛ بازارهایی که در آنها حرص و ولع بی حد و حصر صاحبان سرمایه بخشی جدایی ناپذیر از ماهیت سیستم سرمایه داری را تشکیل میدهد. گرایش دوم اما، به نحوه عملکرد بحرانهای مذکور و اینکه چگونه این بحرانها به سرمایه های قدرتمندتر فرصت میدهند تا از مشکلات و ناتوانی رقبای ضعیف تر سود برده و منتفع گردند، مربوط می شود.

آسیای شرقی طی چند دهه گذشته در واقع تنها شعبه پر رونق اقتصاد جهانی بوده است. در عین حال، توأم با مسأله ظرفیت بیش از حد تولید بسیاری از محصولات، سطح و میزان دستمزدها نیز دچار کاهش گردیده اند. بنابراین از یک سو، چنانچه سرمایه های آسیای شرقی دور مستمر و رقابت آمیز کاهش ارزش پول یا بعبارت دیگر تنزل قیمتها را در پیش میگرفتند تا بدینوسیله بتوانند علیرغم اشباح جهانی ظرفیت تولیدی به صادرات کالاهای خود ادامه دهند، در آنصورت جنگ میان قیمتها میتوانست دامنه سود سرمایه را دچار فرسایش نموده و در نتیجه ورشکستگی اقتصادی را احتمالاً به آنسوی مرزهای آسیا گسترش دهد. لازم به توضیح است که کاهش رقابتی ارزش

پول هنگامی روی میدهد که ارزش واحد پول یک کشور بطرز برجسته ای تنزل داده شده (یعنی نرخ کالاهای صادراتی خود را بر پایه ارز خارجی پایین آورده) و بدین ترتیب دیگر کشورها را به تبعیت از این شرایط ناچار ساخته و یا امکان رقابت جویی این ممالک در بازارهای خارجی را تضعیف مینماید.

از سوی دیگر اما، چنانچه بحران مالی مورد بحث در درون مرزهای آسیا محدود نگه داشته میشد، این امر میتوانست سرمایه های فرا ملیتی را، با توجه به امکان خرید دارایی های این منطقه در پایین ترین نرخ، در موقعیتی عالی قرار دهد. راه حلهای پیشنهاد شده از سوی سرمایه مالی و آژانس های بین المللی وابسته به آن پیرامون حل مسأله آسیای شرقی دقیقاً در همین راستا تنظیم گردیده اند.

سطح "توسعه اقتصادی" آسیای شرقی سه تا پنج برابر بیش از کشورهای صنعتی شمال بوده و به همین دلیل نیز بطور وسیعی استنباط شده بود که پرداخت وام به این منطقه ریسک چندانی بدنبال نخواهد داشت، در واقع، عده ای با قرض گرفتن از موسسات مالی در امریکا و ژاپن با نرخ بهره نازل و قرض دادن به شعب اقتصادی در آسیای شرقی، ثروتهای کلانی به هم زده اند.

ارزش کالاها در نتیجه به گردش درآمدن میزان بیشتری از سرمایه پولی ترقی پیدا کرده و نیاز به چرخش درآمدن سرمایه هرچه بیشتری را در این منطقه توجیه مینمورد. از آنجا که یکسری دارایی ها از طریق وجوه استقراضی ای خریداری شده بودند که میبایست دوباره سرمایه گذاری گردیده تا بدینوسیله موقعیت صاحبان قدرت در

این مناطق را حفظ نمایند و همین مطلب خود ترقی دائمی ارزش دارایی های خریداری شده را احتمال میبخشید، لذا حضور موفقیت آمیز و بردن در این مسابقه مالی هرچه بیشتر مشکل گردیده و در نتیجه بسیاری از صاحبان سرمایه میبایستی دارایی های خود را به معرض فروش گذارده تا از این طریق قروض خود را پرداخت نمایند.

در حالیکه سهام و دارایی ها یکی پس از دیگری به فروش میرسید، وحشت و اضطراب نیز گسترش میافت. توأم با خروج سرمایه گذارها از این بازارها، ارزشهای خارجی نیز بازارهای مزبور را ترک نموده و همزمان با سقوط ارزش ارز خارجی، قروض مالی نیز که بر پایه ارز خارجی محاسبه گردیده و اخذ شده بود، بطرز محسوسی دچار افزایش قیمت گردید. این بدان معنا بود که طرفین مقروض جهت بازپرداخت بدهی هایشان به پول داخلی میبایست مبلغی معادل با ۳۰ تا ۴۰ درصد بیش از آنچه که پیش بینی کرده بودند تهیه نمایند. برای مثال، تنها طی سه روز ارزش روییه اندونزی ۵۰ درصد کاهش پیدا کرده و این مطلب باعث خرید سرسام آور اجناس و در نتیجه خالی شدن مغازه های جاکارتا از مواد غذایی و احتیاجات اولیه گردید.

فعالیت صادراتی چین، بویژه با توجه به برخورداری این کشور از نیروی کار ارزاتر در مقایسه با دیگر تولید کنندگان عمده در آسیا، یکی دیگر از فاکتورهای مهم روند بحران در این منطقه محسوب میشد. صادرات رویه رشد چین به این بازارها وارد شده و موجب آن گردید تا ظرفیت تولیدی منطقه مورد بحث از

سطح ظرفیت پذیرش بازارهای جهانی فراتر رود.

با خروج سرمایه ها از بازارهایی که احتمال میرفت واحد پول داخلی آنها بیشتر و بیشتر سقوط نماید، دارایی های اندوخته شده خارجی دولت در بسیاری از کشورهای منطقه که بنظر میرسید از ثبات برخوردارند (البته اغلب چنین نبود چرا که دولت ها و بانکهای مرکزی این کشورها اوضاع حقیقی خود را پنهان نموده تا از این طریق سرمایه گذاران را به ثبات اقتصادی خویش قانع نمایند) سرعت بریاد رفته و ناپدید گردیدند.

از آنجا که تایلند بیش از دیگر کشورهای این منطقه از قروض خارجی استفاده نموده بود، در نتیجه با کاهش نرخ رشد این کشور، وام دهندگان به آن نسبت به اوضاع این کشور مظنون گردیدند. بر خلاف کره جنوبی که در آن بخش اعظم وامهای دریافتی به شرکتهای درهم ادغام شده عظیمی اعطاء شده بود که به موسسات صادراتی عمده در این کشور تبدیل گردیده بودند، اقتصاد حباب وار تایلند بیشتر حاصل اخذ بیش از حد یک سلسله وامها جهت تأمین مالی مصارف تجملی، احداث بی رویه میادین گلف و دفاتر اداری عظیم و مجلل در این کشور بود.

در سپتامبر ۱۹۹۷، دولتمداران اندونزی و مالزی علنا معامله گران بازارهای بورس را عامل بحرانهای اقتصادی در این کشورها اعلام نمودند. در ماه اکتبر، بازار بورس هنگ کنگ ظرف چهار روز بیش از یک چهارم ارزش خود را از دست داد.

طی ماههای پائیز، صندوق بین المللی پول به اجرای یکسری برنامه های امدادی عظیم مالی متوسل گردید، اما با وجود این قادر به فرونشاندن بحران بازارهای مالی در این منطقه نگردید. اجرای رفرمهای اقتصادی تأکید شده از سوی این صندوق علیرغم قول مساعدت دولتهای این منطقه همچنان با مقاومت روبرو میشد. اینبار قرار بر این شد تا یک طرح امدادی تحت نظر ژاپن به اجرا درآورده شود. این خود معرف دور تازه ای از تلاشهای ژاپن و برخی دیگر از کشورهای آسیایی به منظور دستیابی

به مکانیزمهای کنترل درون منطقه ای این بحرانا و در نتیجه دستیابی به میزانی از آزادی از سلطه امریکا در منطقه بود. اما بنابر برخورد مصرانه امریکا مبتنی بر اینکه صندوق بین المللی پول (تحت سلطه ایالات متحده) تنها مرجع ذیصلاح و مناسب در رابطه با حل بحران مذکور میباشد، طرح امدادی اخیر نیز مثل حرکتهای قبلی به شکست انجامید.

وابستگی نظامی کشورهای آسیایی در رویارویی با دعای توسعه طلبانه چین، مساله حل نشده کره شمالی و ناتوانی اقتصادی ژاپن در برابر قدرت اقتصادی امریکا از جمله عوامل دخیل در مانورهای بین المللی پیرامون بحران اقتصادی در آسیای شرقی میباشد. در واقع، بین صاحبان قدرت در آسیا، این بحث همچنان ادامه دارد که چه میزان استقلال از اتوریتته امریکا دست یافتنی و یا اساسا مطلوب میباشد.

راه حلها و کمکهای اقتصادی صندوق بین المللی پول به کشورهای بحران زده این منطقه از طریق اجرای طرحهای ریاضت اقتصادی در این کشورها که تأثیرات مخرب و فلاکتباری بر زندگی مردم این ممالک بجای گذاشته، تنها در راستای بازپرداخت کامل سرمایه گذاریهای خارجی از سوی کشورهای مزبور به صاحبان این سرمایه گام برداشته و بدین منظور سازمان داده شده اند. جالب آنجاست که ویلیام کووهن، وزیر دفاع امریکا رسماً از این منطقه دیدار بعمل آورده و مراتب نگرانی خود در ارتباط با امکان بی ثباتی (یعنی به خطر افتادن موقعیت امریکا) در منطقه مزبور را اعلام نمود. در همین رابطه، از سوی رهبران کشورهای این ناحیه که طی چند دهه گذشته با شدیدترین بحرانا روبرو بوده است به کووهن اطمینان خاطر داده شد که نیروهای نظامی این کشورها از عهده ناآرامی های عمومی ناشی از بحران اقتصادی و اجتماعی در این ممالک بر خواهند آمد!

برخی از "چانه ببول" های کره ای (منظور موسسات عظیمی است که از جمله بزرگترین شرکتهای فراملیتی جهان بشمار میروند) علیرغم اضافه عرضه جهانی صنایع اتومبیل سازی،

همچنان به توسعه گسترده خود در این صنایع ادامه میدهند.

در اندونزی یعنی چهارمین کشور پر جمعیت جهان و یکی از مراکز اصلی بحران و ورشکستگی اقتصادی - سیاسی در آسیای شرقی، سوهارتو همچنان به حمایت از طرحهای اقتصادی بی مسمانی چون پروژه اتومبیل سازی ملی تحت ریاست پسرش که صدها میلیون دلار در این رابطه از بانک وام گرفته بود، ادامه داد.

رهبران حاکم بر کشورهای این منطقه، در رویارویی با فشارهای سیاسی و فشار بازار جهت گشایش دروازه های اقتصادی بروی سرمایه گذاران خارجی و پایان بخشیدن به سوسیدهای دولتی بسود بانکها و موسسات صنعتی، تا آنجا که میتوانستند از خود مقاومت نشان داده و بازپرداخت بدهی های خود را به تعویق انداختند. اما واقعیت اینست که تعویق این بدهی ها در همان حال که به گسترش وخامت اوضاع بحرانی دریافت کنندگان وام منجر میگردد، در عین حال بسود وام دهندگان تمام شده و برای آنان فرصتی طلائی محسوب میگردد. تحکیم قدرت سرمایه های فراملیتی از طریق مکانیزم تحمیل تعهدات اقتصادی به کشورهای مقروض جهت حل بحران استقراضی این کشورها، از ویژگی های اصلی نظام سرمایه داری معاصر میباشد. برای مثال، تحت تأثیر مکانیزم یاد شده، دولت کره ناچار گردید تا زمینه کنترل موسسات و بانکهای این کشور از سوی سرمایه گذران خارجی را برای صاحبان این سرمایه ها فراهم آورد. البته این موضوع به همینجا ختم نشده و در فرآیند تنظیم قوانین جدید کار و نیز جذب بخش اعظم بدهی های عقب افتاده و کلان موسسات و شرکتهای خصوصی از سوی دولت و بعبارتی با سرشکن کردن بار این بدهی ها بر دوش دولت، دامنه این کنترل نیز وسعت یافته و تکمیل میگردد.

امپراطوری سرمایه مالی، تضاد طبقاتی نهفته در بطن روابط استقراضی را آشکار ساخته و نشان میدهد که چگونه بدهی های مالی در خدمت بازتوزیع تحمیلی ثروت و قدرت مورد استفاده قرار میگیرند. این امپراطوری همچنین

ابزار قدرتمند سرمایه جهت انقیاد نیروی کار انسانی عظیمی است که اقلیت کوچک در قدرت بر اکثریت عظیم جامعه جهانی تحمیل مینماید.

میباشد. بحران اقتصادی در آسیای شرقی، بطور با استقرار قوانین بازار و استفاده از این قوانین

قطع نمایانگر فقر و درماندگی اجتماعی و بهای بعنوان ابزار سلطه طبقاتی در راستای حفظ نظام

برگردان به فارسی: الف بهرنگ



عامل اصلی کشتارهای اخیر کسی جز رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی نیست!

پس از گذشت ماهها از اعتراف رژیم به این امر که عاملین قتل‌های زنجیره ای (کشتار نویسندگان و مخالفین) جزء ماموران اطلاعات و امنیت جمهوری اسلامی بوده اند، دو روز پیش دادستانی با اعلام اسامی چهار نفری که در این رابطه دستگیر شده و مورد بازجویی قرار دارند از خودکشی یکی از آن عاملین به نام سعید امامی خبر داد.

در افشای این ترفند جدید رژیم باید به چند نکته توجه نمود.

۱. با توجه به گستردگی قتل‌های انجام شده در سطح کشور و شیوه سازماندهی آنها، که ثابت میکنند ترورهای وحشیانه اخیر صرفاً به چند موردی که از طرف رژیم پذیرفته شده محدود نمی‌گردد. نسبت دادن این قتلها به یک محفل چهار نفره "خودسر" و "وظیفه شناس" در وزارت اطلاعات و امنیت تلاش مذبوحانه‌ای است که بدان وسیله کوشش میشود دستان کثیف و تا مرفق به خون آلوده بالاترین مقامات جمهوری اسلامی بمتابه عاملین اصلی جنایات اخیر از انظار کتمان گردد.

۲. اگر چه به دلیل هشیاری مردم و بالاگرفتن اعتراضات، نسبت به قتل‌های زنجیره ای و تشدید تضادهای درونی رژیم، سردمداران جمهوری اسلامی مجبور به پذیرش نقش وزارت اطلاعات در این جنایت شدند، اما آنها کوشیده و می‌کوشند با وقت کشی و طولانی کردن زمان تحقیقات و پیچیده کردن مسایل و سرانجام با فداکردن چند مأمور اطلاعاتی خود (سربازان گمنام امام زمان) وزارت جهنمی ساواک جمهوری اسلامی را از زیر ضرب خارج ساخته و از رسوایی بیشتر نجات دهند.

۳. اظهارات دادستانی و اعلام خبر خودکشی سعید امامی زمینه سازی برای طرح این امر است که اطلاعات لازم و اساسی برای کشف علل قتل‌های زنجیره ای و چند و چون آن با فوت فرد مذکور از بین رفته است. این داستان رسوا که به هیچوجه نمیتوانست افکار عمومی را فریب دهد روز بعد با سخنان محمد یونسی وزیر اطلاعات و امنیت تکمیل شد مبنی بر اینکه سعید امامی در مرحله ای از بازجویی و تحقیق دست به خودکشی زده است که گویا معلوم شده بود ایشان به عنوان سردسته قاتلین، از خارج و عوامل بیگانه دستور قتل‌های اخیر را گرفته بود.

واقعیت این است که دستور دهندگان و سازماندهندگان اصلی قتل‌های اخیر خود گردانندگان اصلی رژیم می‌باشند و پیش کشیدن پای عوامل خارجی و بیگانه به این قضیه تاکتیک فریبکارانه ای است که طشت رسوایی اش از بام افتاده است. وانگهی عوامل خارجی و عمال بیگانه همانا کسانی جز خود سردمداران جمهوری اسلامی نیستند که مصالح و منافع امپریالیست‌ها و ارگانهای امپریالیستی چون صندوق بین المللی پول را در ایران نمایندگی میکنند و اتفاقاً در راستای حفظ نظام سرمایه داری وابسته در ایران است که آنها به انجام جنایتهای اخیر در حق نویسندگان مبارز و بعضی نیروهای مخالف مبادرت ورزیدند تا بدان ترتیب به ایجاد فضای رعب و وحشت در میان توده ها پرداخته و ثبات و آرامش دلخواه خود و اربابانشان را در کشور تامین نمایند. اعلام دستگیری صرفاً ۴ نفر به عنوان عاملین جنایات اخیر و سپس عنوان خودکشی یکی از آنها و منتسب کردن سازمان دهندگان و دستور دهندگان قتلها به کشورهای خارجی جز در جهت ایجاد سردرگمی و فریب مردم نیست و ترفند شناخته شده ای است که مسلماً به اعتبار آگاهی توده ها و نیروهای مبارز با شکست کامل مواجه شده و جز رسوایی هرچه بیشتر برای سردمداران رژیم در بر نخواهد داشت.

مرگ بر رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی!
زنده باد مبارزه مسلحانه که تنها راه رسیدن به آزادی است!

با ایمان به پیروزی راهمان
چریکهای فدایی خلق ایران

۸ تیر ۱۳۷۸

گزارش فشرده‌ای از حرکات اعتراضی در لندن بر علیه رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی

پخش شد، از جمله بر خطر اعدام دستگیر شدگان خیزشهای توده ای و ضرورت دفاع از آنان تأکید شده بود.

پس از انجام موفقیت آمیز این آکسیون، نیروهای شرکت کننده در کمیته مزبور به تدارک حرکت گسترده تری پرداخته و به منظور افشاگری گسترده تر بر علیه رژیم جمهوری اسلامی و فشار به نهادهای مدعی دفاع از حقوق بشر، یک تحصن شبانه روزی به مدت ۳ روز در مقابل دفتر مرکزی سازمان عفویین الملل در لندن سازمان دادند.

"کمیته تحصن برای دفاع از جان دانشجویان و دستگیر شدگان" از ساعت ۱۰ صبح روز ۲۹ جولای با نصب دهها پلاکارده تبلیغاتی و نصب شعار "تابود باد رژیم جمهوری اسلامی" به زبانهای انگلیسی و فارسی در جلوی ساختمان دفتر عفو بین الملل - که در یکی از محلات پر رفت و آمد لندن قرار دارد - دست به تحصن زدند. در جریان ۳ روز تحصن، نمایندگان "کمیته تحصن" چند بار با مسئولین سازمان عفو بین الملل در مورد وضعیت نگران کننده و دستگیر شدگان خیزشهای اخیر و خطر اعدام قریب الوقوع آنها به گفتگو پرداخته و با اشاره به اینکه سازمان عفویین الملل مدعی دفاع از حقوق بشر است خواستار اقدامات بیشتر و موثرتر و افشاگری این سازمان بر علیه جمهوری اسلامی به منظور جلوگیری از اعدام دستگیر شدگان گشتند. همچنین در جریان این آکسیون، چند هزار نسخه اطلاعیه به زبانهای فارسی و انگلیسی در سطح منطقه پخش شد و "کمیته تحصن" با انتشار ۳ اطلاعیه در طول این حرکت، افکار عمومی را هر چه بیشتر در جریان وضعیت خظیر دستگیر شدگان و جنایات حاکمیت ۲۰ ساله جمهوری اسلامی قرار داد. در جریان تبلیغات گسترده این آکسیون هزاران تن از عابریین در جریان علت تحصن، خواستههای متحصنین و اخبار مربوط به ۲۰ سال جنایات جمهوری اسلامی بر علیه کارگران و توده های زحمتکش و بویژه جنایات حکومت در سرکوب ددمنشانه خیزشهای توده ای اخیر قرار گرفته و تعداد بسیار زیادی از آنها طومار مربوط به دفاع از جان دانشجویان و دستگیر شدگان را بر علیه جمهوری اسلامی امضا کردند.

تحصن سه روزه "کمیته تحصن" بواقع یکی از موفق ترین حرکات اعتراضی بود که در سالهای اخیر برای رسوا کردن چهره جنایتکار رژیم جمهوری اسلامی و جنایات رنگارنگ سران این حکومت در افکار عمومی در لندن سازمان داده شده است. این حرکت سوای جلوه های افشاگرانه مبارزاتی خود، نمونه ای از اتحاد عمل موفق نیروهای سیاسی مختلف را به نمایش گذارد و از حمایت فراوانی برخوردار گشت. همچنین اخبار مربوط به این تحصن به طرز وسیعی از سوی رسانه های عمومی فارسی زبان خارج کشور و برخی نشریات مترقی انگلیسی پخش شد و نمایندگان "کمیته تحصن" در مصاحبه های متعددی با رادیوهای محلی و خارجی شرکت کرده و افکار عمومی را در جریان جنایات رژیم جمهوری اسلامی و خطری که جان دستگیر شدگان خیزشهای توده ای را در چنگال خونالود جمهوری اسلامی تهدید می کند قرار دادند. در بعد از ظهر روز آخر این آکسیون، تحصن به تظاهرات و دادن شعار به زبانهای

در حمایت از خیزش دانشجویی - مردمی (۱۸ تا ۲۲ تیر) در شهرهای ایران و متعاقب با سرکوب وحشیانه این موج عظیم جنبش توده ای توسط رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی، سازمانها، نیروها و افراد مبارز و انقلابی یک سلسله افشاگریها و اعتراضات وسیع در سطح بین المللی بر علیه سردمداران مزدور جمهوری اسلامی سازمان دادند. در چارچوب این اعتراضات در لندن نیز چریکهای فدائی خلق ایران طی هفته های اخیر یک رشته آکسیونهای اعتراضی را در همکاری با سایر نیروهای مبارز برپا نموده و کارزار افشاگرانه وسیع و موفقی را در حمایت از مبارزات عادلانه مردم ایران به پیش بردند. آنچه در زیر می آید، خوانندگان پیام فدائی را در جریان گزارش فشرده ای از این آکسیونها قرار می دهد.

در تاریخ شنبه ۱۷ جولای ۹۹ چریکهای فدائی خلق ایران با انتشار فراخوان "در اعتراض به کشتار وحشیانه دانشجویان و توده های به پا خواسته توسط رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی" به پا خیزیم، تظاهرات مشترکی را با همکاری اتحاد چپ کارگری، حزب کمونیست ایران، اتحادیه کمونیستهای ایران - سرداران، سازمان دموکراتیک - ضد امپریالیستی ایرانیان در انگلستان، کمیته دفاع از مبارزات مردم ایران و کمیته دفاع از مبارزات کارگران ایران در مقابل سفارت جمهوری اسلامی در لندن سازمان دادند. در این تظاهرات که بیش از یکصد تن از ایرانیان مقیم لندن در آن شرکت کردند، جمعیت شعارهای "مرگ بر جمهوری اسلامی"، "زنده باد انقلاب"، "زنده باد سوسیالیسم"، "دانشجوی زندانی آزاد باید گردد"، "زندانی سیاسی به همت توده ها آزاد باید گردد"، "توپ تانک خاتمی دیگر اثر ندارد"، "وای بروزی که مسلح شویم"، "مرگ بر خامنه ای، مرگ بر خاتمی، مرگ بر جمهوری اسلامی"، سر داده و عابریین با گرفتن اعلامیه ها و به صدا در آوردن بوق اتومبیلهای خود به حمایت از تظاهرکنندگان پرداختند. بلافاصله پس از پایان حرکت، نیروهای شرکت کننده در این تظاهرات برای هماهنگ کردن هر چه بیشتر اقدامات خود در دفاع از جان دستگیر شدگان خیزشهای اخیر و توسعه دامنه اعتراضات بر علیه جمهوری اسلامی کمیته ای را با نام "کمیته دفاع از جان دانشجویان و دستگیر شدگان خیزشهای توده ای" تشکیل داده و در اولین اقدام از سلسله حرکات خود تظاهراتی را در مقابل ساختمان خبرگزاری B.B.C در لندن سازمان دادند. در پاسخ به فراخوان این کمیته روز ۲۱ جولای دهها تن از ایرانیان مقیم لندن در تظاهرات مزبور شرکت جسته و ضمن سردادن شعارهایی بر علیه رژیم جمهوری اسلامی از هر جناح و دسته به زبان های فارسی و انگلیسی به افشاگری بر علیه رژیم جمهوری اسلامی پرداختند. در جریان این حرکت اعتراضی نمایندگان جریانهای شرکت کننده در تظاهرات برای مصاحبه با B.B.C به داخل ساختمان رفته و این خبرگزاری ضمن پخش خیر کوتاهی از این حرکت در برنامه فارسی همان روز گوشه ای از گفتگو با آنان و شعارهای تظاهرکنندگان را پخش کرد. در اطلاعیه ای که به مناسبت این آکسیون به زبان های فارسی و انگلیسی در میان عابریین

انگلیسی و فارسی بر علیه رژیم جمهوری اسلامی تبدیل شد و خواست آزادی بی قید و شرط تمامی دستگیر شدگان خیزشهای اخیر و کلیه زندانیان سیاسی با شدت بیشتری مطرح گشت. در قطعنامه پایانی تحصن که در میان جمعیت قرائت شد از جمله به خواست "آزادی بی قید و شرط کلیه دانشجویان و سایر دستگیر شدگان حوادث اخیر"، "اعلام اسامی جانبختگان و تحویل اجساد آنها به خانواده هایشان"، "خاتمه فوری بازداشتها"، "افشاء بلادرنگ نقش رهبران و دست اندرکاران رژیم در سرکوب کوی دانشگاه، قتلهای زنجیره ای، ترورهای داخل و خارج کشور و کلیه جنایات ۲۰ ساله جمهوری اسلامی" تاکید گردیده است. این حرکت موفقیت آمیز از سوی جمعی از تشکلات و سازمانهای ایرانی و غیر ایرانی از سایر کشورها مورد پشتیبانی قرار گرفت. "کمیته دفاع

از جان دانشجویان ..." در اقدام اعتراضی دیگر خود به تاریخ ۱۴ آگوست تظاهرات ایستاده ای را در مقابل بانک ملی شعبه لندن برگزار نمود. در این حرکت نیز تعداد قابل توجهی از ایرانیان مبارز بار دیگر با خواست "آزادی دانشجویان و سایر دستگیر شدگان خیزشهای توده ای اخیر" تجمع کرده و به دادن شعارهای فارسی و انگلیسی بر علیه رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی پرداخته و تعداد بسیار زیادی اطلاعیه های انگلیسی در افشای جنایات حکومت بر علیه کارگران و توده های محروم ایران را در میان عابرین پخش کردند. در این حرکت نمایندگانی از جریان **Workers Liberty** انگلیس ضمن شرکت و اعلام همبستگی با "کمیته دفاع از جان دستگیرشدگان" اعلامیه ای با نام "زندانیان سیاسی در ایران را آزاد کنید!" توزیع کردند.



جای هر قطره خون

من همان روز، همان لحظه که رگباری در دره کوچک سیلی زد

به سکوت و به سحر

من همان روز، همان لحظه که از لوله هر اسلحه جوخه اعدام هنوز

رشته ای دود رقیق

برمیخاست

و هنوز از قابت میجوشید

چند فواره مرجان و عقیق

جای هر قطره خونت،

گفتم :

ای رفیق!

از زمین، دستی و از دست ، تنگی

خواهد روئید

من همان روز، همان لحظه که اندام تو برچوبه اعدام به خود می پیچید

و صدای تو به حلقوم شکست

و در آن بازپسین بند سرودت

جای هر واژه و هر لفظی، خون از دهن ت بیرون جست

من همان روز، همان لحظه که بی سعی و تقلایی ماندی برجا

و سرت خم شد و بر سینه خاموش سنگینی کرد

چون سکوتی سنگین ، دهشت زا

روی آن دره، در آن صبح مه آلوده و سرد

من همان روز، همان لحظه خروشدیم و با خود گفتم :

گرچه آویخته ای

اینچنین سست ، چنین سرد

براین چوبه دار،

عزم و ایمانی اگر هست و نبردی، همه از توست رفیق

پایمردی همه از توست ، رفیق .

جای هر قطره خونت ،

گفتم :

ای رفیق!

از زمین ، دستی و از دست ، تنگی

خواهد روئید

و نمی بینی امروز مگر ؟

دستها را ... و تنگی هر دست ...

هر نسیمی با خود بوی رهایی دارد

بوی جان پرور رزم

و رهایی با خود، مهر فدایی دارد.

دستی افراشته ، در دست ، تنگد ...

تو فدا کردی خود را ، و رهایی با توست

یافتت هرکه رهایی را جست

یابدش هرکه تو را جست ، رفیق .

خونت از خاطر خلق

هر چه جز فکر رهایی، همه را شست ، رفیق .

و من آن روز ، همان روز ، شگفتا

با چه ایمانی، با خود گفتم :

ای رفیق!

از زمین ، دستی و از دست، تنگی

خواهد روئید.

مرگ بر امپریالیسم و سگهای زنجیریش !

فریاد اعتراض به کشتار دانشجویان

وین - در اعتراض به کشتار و سرکوب حرکت آزادیخواهانه دانشجویان (وقایع ۲۳-۱۸ تیر ۷۸) بنا به دعوت کمیته برگزار کننده تظاهرات، تعدادی از نیروهای سیاسی حدود ۶۰-۵۰ نفر در ساعت ۱۰ صبح شنبه ۱۷ جولای ۹۹ در مقابل سفارت رژیم در وین تجمع کرده و به افشاکاری علیه جنایات رژیم و ایادی حزب الهی اش دست زدند. تظاهرکنندگان با شعارهایی چون مرگ بر رژیم جمهوری اسلامی، مرگ بر خامنه ای، مرگ بر خاتمی، دانشجو دانشجو حمایت می کنیم، یاران ما زندانند زندانیان جلاوند، دانشجوی زندانی آزاد باید گردد، رژیم اسلامی نابود باید گردد، زندانی سیاسی آزاد باید گردد و... به زبان فارسی و آلمانی انزجار عمیق خود را به رژیم و حمایت و همدلی خود را با جنبش اخیر دانشجویان به نمایش گذاشتند. این تظاهرات قریب به مدت دو ساعت با سازماندهی خوب و شعارهای رسا ادامه داشت. در خلال این تظاهرات که نیروهای مبارز و انقلابی: حزب دمکرات کردستان ایران، سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران، چریکهای فدایی خلق ایران، سازمان فدائیان (اقلیت) و سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) در آن شرکت داشتند، بیانیه ها و اعلامیه هایی از طرف برخی از این نیروها منجمله "چریکهای فدایی خلق ایران" خوانده شد که مورد استقبال جمع قرار گرفتند. این حرکت اعتراضی در خاتمه با اعلام مجدد پشتیبانی از حرکات آزادیخواهانه دانشجویان و توده های بیخاسته به پایان رسید.

آکسیون اعتراضی بر علیه رژیم جمهوری اسلامی

آمستردام - در اعتراض به سرکوب مبارزات مردم در تهران و... آکسیونی با حضور تقریباً ۳۰ نفر در فرودگاه Schiphol آمستردام برگزار گردید.

این آکسیون بعد از ظهر روز یکشنبه، ۱۸ ژوئیه ۱۹۹۹، با تجمع تقریباً یک ساعت در مقابل in - Check پرواز هواپیمایی رژیم و در مقابل صف مسافرانی که عازم ایران بودند، با حمل چند پلاکارد فارسی و انگلیسی، پخش یک بیانیه به زبانهای فارسی و انگلیسی و سردادن شعارهای زیر به فارسی، انگلیسی و هلندی انجام گردید.

مرگ بر جمهوری اسلامی
خامنه ای حیا کن، سلطنت و رها کن
خامنه ای، خاتمی، مرگ به نیرنگتان،
خون عزیزان ما، می چکد از چنگ
تان
آزادی اندیشه، با ریش و پشم
نمی شه

دانشجو، کارگر، اتحاد اتحاد
مرگ بر خاتمی
مرگ بر خامنه ای

برگزار کنندگان:

- بخشی از کمیته دفاع از مبارزات
کارگران و زحمتکشان ایران
- حزب کمونیست ایران - هلند
- سازمان دانش جویان ایرانی -
هلند (هوادار چریکهای فدایی خلق
ایران)
- سازمان کارگران انقلابی ایران
(راه کارگر)
- فعالین سازمان فدائیان (اقلیت) -
هلند
- کانون زندانیان سیاسی ایرانی در
تبعید - واحد هلند
- هواداران اتحادیه کمونیستهای
ایران (سریداران)

اعتراض به سرکوب جنبش دانشجویی - مردمی

اسلو - بنابه دعوت چند سازمان و جریان نروژی - شیلیایی و ایرانی تظاهراتی در اسلو در اعتراض به سرکوب جنبش دانشجویی - مردمی توسط رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی و حمایت از مبارزات توده ای اخیر، سازمان یافت. این تظاهرات در ساعت ۲ الی ۳ بعد از ظهر روز ۷ آگوست با شرکت حدود ۸۰ تن در مقابل سفارتخانه جمهوری اسلامی در اسلو برگزار شد و تعداد قابل توجهی از نیروهای ضدشورش پلیس با اتخاذ تدابیر شدید امنیتی و نصب میله های آهنی به حفاظت از جاسوسخانه رژیم در اسلو پرداخته و از نزدیک شدن تظاهر کنندگان به ساختمان سفارت ممانعت به عمل آوردند. در این تظاهرات شعارهایی در محکومیت کلیت رژیم جمهوری اسلامی و فضای سانسور و خفقان سر داده شد و سازمانها و جریانات برگزار کننده این تظاهرات با قرائت قطعنامه هایی در محکومیت سرکوب خیزشهای اخیر توسط رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی، دول امپریالیستی و بویژه دولت نروژ را به خاطر حمایتها و همکاری هایشان با جمهوری اسلامی محکوم نمودند. شرکت کنندگان در این حرکت با سردادن شعارهایی نظیر "مرگ بر خاتمی، مرگ بر خامنه ای"، "زندانی سیاسی آزاد باید گردد" و... پرچم جمهوری اسلامی را به آتش کشیدند.

برگزار کنندگان تظاهرات اسلو عبارت بودند از:

I.S (International Socialists) Blitz -

- فعالین چپ ایرانی در نروژ

- حزب کمونیست ایران - نروژ

- گروه شیلیایی GAPP (حامی زندانیان سیاسی در شیلی)

- OSLO AKP (اتحادیه مائوئیست های نروژی در اسلو

- فعالین سوسیالیست ایرانی در نروژ

- ۱۹ بهمن - هوادار چریکهای فدایی خلق ایران - واحد نروژ

منتشر شد:

جنگل شماره ۱۶

آدرس تماس:

JANGAL

BOX 44012
10073 STOCKHOLM
SWEDEN

(مارکسیسم پس از مارکس)

نشریه فعالین جنبش نوین کمونیستی ایران - سوئد

عدم پرداخت دستمزدها

کارگران شرکت کفش آزادان در شهر صنعتی البرز قزوین از دیماه سال ۷۷ تا کنون حقوق، عیدی و مزایای خود را دریافت نکرده اند. با تعویض مکرر مدیریت این شرکت در طول ماهها و دستگیری آخرین مدیر آن، مساله پرداخت حقوق و مزایای کارگران همچنان مسکوت مانده و برغم وعده های فراوان و قول رسیدگی به این مساله کارگران این شرکت تا اوایل تیرماه همچنان بلاتکلیف و سرگردان بوده اند. این مساله خشم و نفرت کارگران را هرچه بیشتر بر علیه دست اندرکاران رژیم جمهوری اسلامی و مقامات شرکت برانگیخته است.

سرکوب اعتراضات کارگران شرکت نقشیران

صدها تن از کارگران شرکت نقشیران که تولید کننده فرش ماشینی است از ابتدای سال ۷۸ حقوق و مزایای خود را دریافت نکرده اند. برغم مراجعات مکرر کارگران زحمتکش این شرکت برای دادخواهی به استانداری و اداره کل کار، نه تنها هیچگونه رسیدگی جدی ای به درخواستهای کارگران انجام نگرفت بلکه گردانندگان شرکت که زیرپوشش بنیاد ۱۵ خرداد - یعنی همان بنیادی که برای سرسلیمان رشدی میلیونها دلار جایزه اعلام کرده است - اداره می شود اعلام کرده اند که نیمی از کارگران شرکت را با توسل به طرح "تعدیل" اخراج خواهند کرد. این مشکلات سرانجام باعث سرریز شدن خشم کارگران گردیده و روز شنبه ۲۹ خرداد صدها تن از کارگران زحمتکش این شرکت با تجمع در مقابل شرکت به اعتراض و تحصن دست زده و خواهان رسیدگی به درخواستهای عادلانه شان شدند. کارگران عبور و مرور وسایل نقلیه را متوقف کردند. نیروهای انتظامی رژیم با هجوم به کارگران این تجمع را درهم شکستند.

پیام فدایی و خوانندگان

آلمان

ک-ع

نامه تان دریافت شد. نشریه از این پس به آدرستان ارسال خواهد شد. در ضمن در صورت تمایل به تماس تلفنی میتوانید از شماره تلفن و فکس سازمان مندرج در پیام فدایی استفاده کنید. در عین حال می توانید با ارسال نامه به صندوق پستی سازمان با در نظر داشتن ملاحظات امنیتی در مورد مسایل تان مکاتبه کنید. موفق باشید.

کانون فرهنگی خیام

بدینوسیله دریافت اطلاعیه به مناسبت نخستین جشنواره و سمپوزیوم سینمای ایران در تبعید را به اطلاعتان رسانده و برای شما در پیشبرد اهدافتان آرزوی موفقیت میکنیم.

آذربایجان

س-ص

دوست عزیز! ضمن سلام به این ترتیب دریافت نامه ات را به اطلاع می رسانیم. در رابطه با درخواستان باید متذکر شویم که متأسفانه ما بدون داشتن شناختی که در یک پروسه کار مشترک بدست می آید، امکان برآوردن تقاضای شما را نداریم. برای شما در حل مشکلاتتان آرزوی موفقیت داریم.

پاکستان

جمعیت انقلابی زنان افغانستان با سلامهای گرم. ضمن تشکر از نامه تان، متذکر می شویم که شما می توانید از طریق آدرسی که در اختیار دارید با رفیقمان تماس بگیرید. برایتان در مبارزه بر علیه امپریالیسم و ارتجاع در افغانستان آرزوی موفقیت های هرچه بیشتر داریم.

ترکیه

ا-خ

با دروهای انقلابی! نامه تان را دریافت کردیم. در رابطه با درخواست تان به طور مستقیم با شما تماس گرفته شده است. لطفا ما را در جریان روند کارهایتان قرار دهید. برایتان در حل مشکلاتتان آرزوی موفقیت می کنیم.

الف

نامه تان به دست ما رسید. با تشکر به اطلاعتان می رسانیم که ما مثل همیشه از هیچ کوششی در جهت حل مشکل نامبرده دریغ نخواهیم کرد. موفق باشید.

دانمارک

ر-م با دروهای انقلابی! آدرس شما دریافت شد. از این پس نشریه به این آدرس ارسال خواهد شد. موفق باشید.

رفقای International Forum

با دروهای انقلابی! ضمن تشکر از پیام همبستگی و حمایت تان از مبارزات مردم ایران برای دموکراسی و آزادی،

ما نیز برای شما در مبارزه علیه امپریالیسم آرزوی موفقیت و پیروزی داریم.

سوئد

ه-م

دوست عزیز! ضمن تشکر از اظهار محبت تان باید به اطلاع شما برسانیم که در رابطه با درخواستی که در نامه تان مطرح کرده اید، در حال حاضر این امر برای ما مقدور نیست و برآوردن این خواست قبل از هرچیز منوط به شناخت سازمان در جریان یک پروسه از فرد نامبرده می باشد. برای شما در حل این مشکل آرزوی موفقیت داریم.

م-چ

دوست عزیز! نامه محبت آمیزتان رسید. ما نیز خود را در احساس شما نسبت به مبارزه همه انسانهای زحمتکش و مبارز علیه حکومت ارتجاعی جمهوری اسلامی و فراز و نشیبهای آن شریک می دانیم. با آرزوی بهروزی و پیروزی برایتان، منتظر نامه های بعدی شما هستیم.

ع-ب

با دروهای انقلابی! نوارهای ارسالی رسید. با تشکر، برایتان آرزوی موفقیت های روزافزون داریم.

فعالین جنبش نوین کمونیستی ایران نشریه "جنگل" شماره ۱۶ را دریافت کردیم. برایتان در

پیشبرد وظایف انقلابی آرزوی موفقیت می کنیم.

ر-ح

با تشکر از ارسال کمک مالی و احساس مسئولیت انقلابی تان، به این ترتیب دریافت مطلب ارسالی را به اطلاعان می رسانیم.

م-ا

با تشکر از ارسال شعرهای زیبایتان، امیدواریم در آینده آثار بیشتری برای ما بفرستید. اگر در این زمینه به کمک یا راهنمایی احتیاج دارید می توانید مستقیماً با انجمن هواداران سازمان در سوئد تماس گرفته و از امکانات آنها در این زمینه مطلع شوید. آدرس انجمن در سوئد:

I.S.F.G
BOX 12141
40242
GOTENBORG
SWEDEN

کانادا

م-م-ز

آدرس شما برای ارسال نشریه دریافت شد. مبلغ آبونمان نشریه برای هر شماره معادل یک پوند انگلیس است که میتوانید آن را یا از طریق پست به آدرس پستی سازمان ارسال کرده و یا به حساب بانکی سازمان واریز و قبض آن را برای ما بفرستید. موفق باشید.



خیزش قهرمانانه توده ها،

رسوایی سازشکاران !

درحالیکه نیروهای سرکوبگر رژیم جمهوری اسلامی طی چند روز اخیر به وحشیانه ترین وجهی به تحصن و تظاهرات عادلانه دانشجویان و توده های به جان آمده حمله کرده و با دستگیری و کشتن و زخمی نمودن صدها تن به سرکوب بی رحمانه خیزشهای اخیر پرداخته اند، دست اندرکاران و مدعیان به اصطلاح معتدل "جناح میانه رو" ی رئیس جمهور رژیم، پایپای همپالگی های خود در "جناح تندرو" به تلاش برای توقف و محکوم ساختن حرکت قهرآمیز و عادلانه توده ها پرداخته اند.

محکومیت مقاومت‌های قهرآمیز دانشجویان مبارز زیر نام "آشوب طلبی" و "مبارزه با شعارهای تحریک کننده" و دعوت دانشجویان به "آرامش" از سوی خود خاتمی، اطلاعیه "دفتر تحکیم وحدت" و تلاش مذبحانه برای اعلام "پایان تحصن" و در عوض شرکت در تظاهرات فرمایشی رژیم در روز چهارشنبه برعلیه دانشجویان معترض، محکومیت مقابله دانشجویان با نیروهای سرکوبگر توسط روزنامه های بااصطلاح مخالف جناح "محافظه کار" نظیر همشهری، صبح امروز، نشاط و..... زیر نام "آشوب طلبی"، اقدام ۱۵ تشکل معروف به اصلاح طلب در جبهه "دوم خرداد" در پس گرفتن دعوت به راهپیمایی که قرار بود روز چهارشنبه به نفع متحصنین صورت گیرد و بالاخره درخواست تمامی این جریان‌ها و ارگانها از نیروهای انتظامی برای تشدید سرکوب مردم معترض زیرنام "برقراری نظم و امنیت"، ماهیت فریبکارانه و ارتجاعی این نیروها را هرچه بیشتر در مقابل همگان به نمایش گذارد و نشان داد آنجا که پای یک جنبش رادیکال برعلیه استبداد و دیکتاتوری و برعلیه نظام به میان آید وظیفه واقعی تمام جناحها ایستادن در مقابل این جنبش و سرکوب و منکوب ساختن آن به نفع طبقه حاکم یعنی بورژوازی وابسته می باشد. از سوی دیگر خیزشهای اخیر دانشجویان و توده های زحمتکش در شهرهای مختلف و سرکوب خونین این حرکات چهره ضدمردمی رژیم جمهوری اسلامی را هرچه فزوتتر در افکار عمومی افشا نمود و در همان حال کوس رسوایی سازشکاران رنگارنگ، افراد و نیروهایی را به صدا درآورد که چه بطور عریان و چه شرمگینانه به دفاع از خاتمی پرداخته و آگاهانه یا ناآگاهانه مردم را به برنامه های فریبکارانه خاتمی دلگرم میکردند نیروهایی که با ادعای مبارزه برای دموکراسی و حقوق مردم به کسب و کار خود رونق می دهند ولی در عمل با توهم پراکنی نسبت به جناحی از هیات حاکمه ضدخلقی نظام آب به آسیاب بورژوازی وابسته میریزند و میکوشند تا انرژی جنبش توده ها را به هدر ببرند.

این حقیقتی است که در جریان ۲۰ سال مبارزه وقفه ناپذیر توده های بیباخته ما و منجمله در جریان خیزشهای اخیر توده ای دانشجویان و سایر اقشار تحت ستم ثابت شده که مبارزات توده های ما برای تغییرات بنیادینی جریان داشته و دارد که شرط اساسی پیشروی و تعمیق آن سرنگونی کلیت رژیم ضدانقلابی جمهوری اسلامی است. اما سازشکاران رنگارنگ بویژه در چند سال اخیر کوشیده اند تا طرح این واقعیت توسط نیروهای انقلابی را با مارک "چپ روانه" منکوب کرده و شرط پیشروی "گام به گام" جنبش توده ها را حمایت مستقیم و غیرمستقیم از جناح خاتمی و جنبش بااصطلاح دوم خرداد یعنی یکی دیگر از جناحهای ضدانقلابی هیات حاکمه جا بزنند. رادیکالیزه شدن اعتراضات قهرمانانه دانشجویان و توده ها در جریان خیزش اخیر و اقدامات قهرآمیز و دلیرانه آنها به فرصتی بدل شد تا نه تنها "جناح معتدل" و ارگانها و نیروهای وابسته به آن هرچه آشکارتر نقاب از چهره برکشند و ماهیت ضدانقلابی خود را بیش از پیش آشکار سازند، بلکه ورشکستگی تنزیهی سازشکاران در اپوزیسیون رژیم نیز هرچه عیان تر در معرض قضاوت افکار عمومی قرار گیرد.

مرگ بر رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی !

مرگ بر فریبکاران و دغلکاران !

زنده باد مبارزه مسلحانه که تنها راه رسیدن به آزادی است!

چریکهای فدایی خلق ایران - ۱۵ جوئی ۹۹

با ایمان به پیروزی راهمان

پای درد دل کارگران از لابلای مطبوعات رژیم

تومان پرداخت کنم. می‌خواستم بدینوسیله از نمایندگان مجلس سوال کنم که چرا طرحی جامع و کامل در خصوص کانالیزه کردن واردات و توزیع داروهای وارداتی تنظیم و به تصویب نمی‌رسانند. در این تقریباً یکسال گذشته نمایندگان مجلس به همه چیز کار داشته اند الا آسایش مردم! متأسفانه عده ای از نمایندگان تنها به استیضاح وزراء و تصویب قوانین ضدکارگری، تغییر قانون مطبوعات و..... بسنده کرده و رسالت خود را فراموش کرده اند! سوال دیگر این که ما چگونه می‌توانیم نمایندگان خود را استیضاح کنیم؟

آیا به مردم این اجازه داده خواهد شد که به مجلس آمده و در خانه خود از نمایندگانی که به هیچوجه کوچکترین انتظار مردم را برآورده نکرده اند سوال کنند که در مدت سه سال و اندکی که از دوران چهار ساله نمایندگی آنها می‌گذرد چه کارهایی به انجام رسانده اند؟ آیا نمایندگان نباید پاسخگوی کم کاری‌های خود باشند؟

* ترا به خدا بنویسد مسئولین جلوی بالا رفتن قیمت ها را بگیرند ما دیگر با این وضعیت توان ادامه زندگی را نداریم. آخر یکی باید به فریاد ما برسد یانه؟ هر روز بیشتر از روز گذشته فشار اقتصادی توان ما را می‌گیرد.
تا کی به فرزندم بگویم ندارم؟

* کارگری از قول مادری که در یکی از بیمارستانهای تهران گریان و نالان بر بالین فرزندش ایستاده بود می‌نویسد:

همسرم دوماهی است که از کار بیکار شده و حسابی در تنگنا هستیم. در این مدت بچه هایم بیکار هم رنگ برنج را ندیده اند. پسر مدام اصرار میکرد که من برنج می‌خواهم، تا کی باید نان خالی و آبگوشت بخوریم. مگر ما آدم نیستیم که برنج و گوشت بخوریم. همین اواخر مجبور شدم که سراغ همسایه مان بروم و یک کیلویی برنج قرض بگیریم تا شاید فرزندم بهانه برنج نگیرد. شب وقتی پدر بچه ها آمده گفت: برنج از کجا آوردی؟ با ترس و لرز گفتم: از خانه همسایه مان قرض کردم. ناگهان عصبانی شد و ظرف برنج را به طرف من و بچه هایم پرتاب کرد. پسر من از ترس پدرش از پله ها به سرعت و دوان و دوان می‌رفت که ناگهان پرت شده و از ناحیه نخاع آسیب دید و حالا من مانده ام و یک بچه آسیب دیده و پدر شرمزده اش. کارگر مزبور حق هق کتان ادامه می‌دهد به مسئولان بگوئید که این موضوع، حال و روز خیالی از کارگران و خانواده های

قرار گیرد نه اینکه اختلاف طبقاتی، و دیدن پنکه های سقفی از یک طرف و نظاره کولرگازی در طرف دیگر موجبات بی‌مهری سینه سوختگان را فراهم آورد.

* حقوق کارگران براساس چه معیارهایی مشخص و اضافه می‌شود؟

وقتی که سالانه ۲۰ درصد تورم رسمی توسط دولت اعلام میشود، چگونه هرساله زیر بیست درصد افزایش حقوق برای کارگران توسط وزارت کار تصویب می‌شود؟

هم اکنون طی دوره پنج ساله مرحله دوم سازندگی با کمبود ده درصدی افزایش حقوق در هر سال، معادل افزایش صددرصد حقوق کارگران از بین رفته است، در شرایطی که سطح مصرف در جامعه با دلار مصوب دولت محاسبه می‌شود جا دارد که حقوق کارگران نیز به همان شکل محاسبه و افزایش یابد. و در آخرین که با میزان تعیین شده به عنوان پایه حقوق کارگران نمیتوان به حداقل شکل ممکن آبرومندان زندگی کرد.

* چرا بحث جدی‌سختی کار که در قانون کار هم به آن اشاره ای شده است راکد مانده است. هر جا مراجعه می‌کنم می‌گویند چند سالی است که این قانون بایکوت شده. باور کنید در محیطی کار می‌کنم که عمر مفید اکثر کارگران بیش از چهل سال نخواهد بود. تقاضا دارم متولیان امور کارگری حتما عنایتی به این طرح که از موجبات رضایت خداوند و بندگان است، داشته باشند.

* مدت ۲۳ سال است حق بیمه پرداخت می‌کنم و در حال حاضر با داشتن فرزندان سرباز، دانشجو و محصل هنوز نتوانسته ام سر پناهی برای خود و فرزندانم تهیه کنم. می‌خواستم بدینوسیله از مسئولین سازمان تامین اجتماعی راهنمایی بخواهم که بنده برای دریافت وام مسکن چه باید بکنم و به کجا باید مراجعه کنم؟

* بازنشسته دولت با حقوق ۲۹۵۰۰ تومان در ماه می‌باشم که مجبورم برای خرید یک قلم داروی وارداتی برای مداوا مبلغ ۵۰ هزار

* لطفاً به نمایندگان مجلس بگوئید نگران کارفرمایان کارگاههای کوچک نباشید، چرا که در حال حاضر هم تعداد زیادی از این کارفرمایان کارگران خود را استثمار میکنند. نمایندگان محترم اگر واقعا در پی کمک به کارفرمایان کارگاههای کوچک برای جذب کارگر می‌باشید میتوانید آنها را از طریق کاهش میزان پرداخت حق بیمه، مالیات و کمک کنید، نه اینکه کارگران را تحت فشار قرار دهید.

* تفاوت فاحشی بین حقوق کارگران و مدیران شرکت وابسته به بنیاد مستضعفان وجود دارد از مسئولین بنیاد مستضعفان تقاضای رسیدگی داریم.

* خوب است آن عده از نمایندگانی که قصد حذف کارگاههای زیر سه نفر از شمول قانون کار را دارند طرحی مبنی بر عدم پرداخت مستمری مادام العمر به نمایندگان مجلس را تهیه و به تصویب برسانند تا بدینوسیله ضمن رعایت مساوات بین همه اقشار جامعه، آقایانی که عادت به منع رطب خوردن دارند خود رطب خور نباشند.

* از کارگران شرکت فریت می‌باشم. بنده بیش از ۲۰ سال است در این شرکت مشغول به کار می‌باشم و با توجه به سنگینی کار در طول این بیست سال دیگر توان ادامه کار ندارم. از نمایندگان مجلس تقاضا دارم و به آنها التماس می‌کنم که با طرح بازنشستگی پیش از موعد کارگران موافقت نمایند و مطمئن باشید بنده و سایر کارگرانی که کارهای سنگین انجام می‌دهند توان آن را ندارند که بعد از بازنشستگی دوباره مشغول به کار شوند و در جای دیگری ادامه کار دهند.

* در شهرکهای جنوب خصوصاً اهواز و حومه، نداشتن کولر گازی در فصل گرما به منزله مرگ تدریجی است. خانواده های کم درآمد و آسیب پذیر که قدرت خریدن این نوع کالا را ندارند چه باید بکنند؟

با توجه به گرانی کولر گازی و نیاز اساسی کلیه ساکنان این شهر ها بهتر است مسئولین امر تدابیری اتخاذ کنند تا این وسیله به صورت اقساط در اختیار همگان

داشتن نمایندگان واقعی خود محروم است یا اگر هم شورایی علی‌الظاهر تشکیل گردد فرمایشی است زیرا عضو شورایی که خود، کارگر قراردادی و همواره لب پرتگاه قرار دارد چگونه میتواند با جدیت از حقوق حقه کارگران در مقابل کارفرما دفاع کند.

* با شنیدن مصوبه مجلس شورای اسلامی که کارگاههای دارای حداقل سه نفر کارگر را از شمول قانون کار جمهوری اسلامی و بیمه تامین اجتماعی خارج کرده اند بیاد قوانین قرون وسطی اروپا و زورگویی‌های ارباب رعیتی کشور خودم افتادم.

* چطور شما نمایندگان محترم قوانینی را که به نفع خودتان است تصویب می‌کنید ولی قوانینی که مربوط به قشر کارگر که زیر خط فقر قرار دارند را لغو میکنید و زیادی می‌بینید.

فرد در نامه ای خطاب به گردانندگان رژیم در رابطه با مشکلات کارگران قراردادی می‌نویسند: کارگری که به صورت قراردادی به استخدام موقت صاحبان سرمایه در می‌آید از دریافت سنوات که بدیهی‌ترین و ابتدایی‌ترین حقوق اوست محروم می‌شود، از دریافت پایه سنوات که بخشی از مزد روزانه است محرومند، از مزایای مربوط به طبقه بندی مشاغل محرومند و فرصت عضویت در تشکلات کارگری از جمله شوراهای اسلامی کار به منظور دفاع از حقوق قانونی خود پیدا نمیکنند و در بسیاری از کارگاهها و کارخانجاتی که همه پرسنل آنها قراردادی هستند شورا تشکیل نمی‌شود. زیرا به محض اقدام کارگران و اطلاع کارفرما از این موضوع قرارداد بعدی منعقد نمی‌گردد و کارگر خود به خود اخراج است و مواردی هم وجود داشته که حتی عضو شورای اسلامی پس از انجام مراحل انتخابات به دلیل اتمام قرارداد کار او اخراج شده. بنابراین در چنین شرایطی یا کارگر از

مظلومشان است بسیاری از کارگران فرزندانشان ماهی و شاید هر دو ماه یکبار برنج و گوشت را نمی‌بینند.....

* یک کارگر فنی متخصص ۵۰ ساله با ۳۰ سال سابقه کار که از سال ۷۷ اخراج شده است: روی سخن من با مسئولان محترم است. هر مسئول که مسئولیت رسیدگی به مشکلات افرادی همچون من را دارند، این عزیزان لطف فرموده دستور دهند کاری به این جانب در هر کجای ایران که مقدور باشد، محول گردد. در صورت عدم امکان به کارگماردم، اظهار لطف فرموده و از هر طریق که صلاح می‌دانند مبلغ ۲۰۰ میلیون ریال به عنوان سرمایه در اختیارم گذاشته شود تا کاری را شروع کنم و بازهم در صورت عدم امکان قرار دادن این مبلغ (که تعهد میکنم سه ساله بپردازم) لطف فرموده و مبلغی از اداره خود اشتغالی در اختیارم قرار دهند تا با اشتغال به شغل محترم قاچاق فروشی، امرار معاش کنم.

* نمایندگان کارگران شرکت صنایع کوه

۶۲۵۰ کرون	نشریه	۱۰ پوند	م - نشریه	لیست کمکهای مالی و وجوه آبوفغان نشریه	۳۱/۵۰ پوند ۲۰ دلار
یا شا و رفیق شهید احسان کوزه گر		۵	میز کتاب		
۷۵۰ کرون		۵	نشریه		
۲۰۰	ب - م	۹	میز کتاب		
		۶/۷۰	میز کتاب		
	کانادا		اطریش		
۱۰۰۰ شلینگ	سنجری	۱۰۰۰ شلینگ	انجمن		
	فهرست	۸۰۰	نشریه		
۴۰۰ کرون	نشریه				
۶۰۰ کرون	انجمن		سوئد	۱۰ پوند	
		۷۵۰ کرون	انجمن	۱۰	
					م - پیام فدایی

ملاحظات بر رابطه فرهنگ با سیاست

از صفحه ۲۲

سرنوشت شده است. "مارتین لارژ" خاطر نشان می‌کند که در انگلستان در پارک ها و خیابان هایی که روزی سرشار از جوش و خروش بازی های بچه ها بود، اکنون به ندرت بچه هایی را مشغول این بازی ها قدیمی می بینیم. چه بر سر این شادی های بچگانه اما سرشار از جوش و خروش آمد؟ تلویزیون بسیاری از بچه هایمان را از سرگرمی هان دلخواه شان در بازی های خیابانی به دور نگاه داشته است.

این روند، در حالی که فرهنگ اتبوه ساز با انگیزه سود جویی، منافع فرهنگ مردمی را از آن خود ساخته است، همان گونه که منتقدین جهان سرومی فرهنگ امپریالیستی بارها و بارها خاطر نشان کرده اند، در سراسر جهان در حال گسترش است.

(ادامه دارد)

برگردان از ماهنامه مانتلی ریویو: پیام

کمونیست ها و گروه های متعدد پشاهنگ آن ها بر پا شده بودند وجود داشت.

اما با ورزش بادهای مسموم مک کارتیسم و تلویزیون که هر دو درست در یک زمان شروع شدند، هیچ بخشی از این فرهنگ غنی نتوانست به حیات خود ادامه دهد.

کالایی شدن فرهنگ را در پرتو نابودی کامل فرهنگ بچه ها با وضوح بیشتری می توان دید. من خود در نوجوانی با همبازیانم در کوچه و خیابان های نیویورک بدون نظارت و مراقبت بزرگ ترها به بازی هایی که مال خودمان می دانستیم، بچگی مان را سپری می کردیم. بازی هایی مثل: قایم باشک، گرگم به هوا، کولی دادن، الک دولک، جفتک چارگوش، هندبال و داج بال.

امروزه تقریباً هیچ نشانی از این فرهنگ در هیچ یک از شهرهای ایالات متحده به چشم نمی خورد. و این وضعیت در سایر کشورها نیز دچار همین



جان دستگیرشدگان خیزشهای اخیر توده ای در خطر است !

سران جنایتکار رژیم جمهوری اسلامی خود را برای قصای بیرحمانه دستگیرشدگان و فعالین حرکات اخیردانشجویان و توده های زحمتکش مآآماده کرده اند.

در شرایطی که ننگ سرکوب و کشتار و قلع و قمع هزاران نفر از توده های بیپاخاسته در جریان خیزشهای توده ای در تهران و سایر شهرها دامان سیاه رژیم جمهوری اسلامی را فرا گرفته است، در شرایطی که هنوز آثار خون دانشجویان و توده های مبارزی که در خیزش عادلانه اخیر به دست نیروهای سرکوبگر قلع و قمع گشته اند از سنگفرش خیابانهای تهران پاک نشده، حسن روحانی معاون شورای عالی امنیت ملی و نایب رئیس مجلس روز چهارشنبه به صحنه آمد و رسماً از تشدید بگیر و ببند و قلع و قمع و زندان و اعدام فعالین حرکات اخیر صحبت کرد.

حسن روحانی در تظاهرات فرمایشی که توسط ارگانهای رژیم برای قدرت نمایی حکومت و مرعوب کردن توده های خشمگین و بیپاخاسته برپا شده بود به عریده کشی پرداخت و با ادعای دستگیری "عاملین آشوبهای اخیر" ادعا کرد که "اکثر" افراد دستگیر شده از عناصر "شور، جنایتکار و سابقه دار" و "افراد وابسته به گروهکهای معاند و ورشکسته" بوده اند. وی با وعده "معرفی" این افراد به مردم، آشکارا تصریح کرد که مساله "کوی دانشگاه" هنوز در "دستور کار" شورای امنیت ملی حکومت قرار دارد و رژیم جمهوری اسلامی در "اعدام" تمامی آنهايي که در وقایع اخیر، به "تعرض به نظام" و "آشوب" مشغول بوده اند، هیچ "تردیدي" به خود راه نخواهد داد. معاون شورای عالی امنیت ملی رژیم در رابطه با دامنه تضادهای درونی حکومت و تاثیر آن در شدت خیزشهای اخیر به دارو دسته های رژیم هشدار داد که "منافع و امنیت ملی باید خطوط قرمز تمامی جناحها" باشد.

مردم مبارز ایران !

نیروهای انقلابی و مبارز!

بی تردید ضربات مادی و معنوی ناشی از خیزش قهرمانانه دانشجویان و توده های زحمتکش در تهران و شهرهای مختلف هراس بزرگی را در دل سران تبهکار رژیم جمهوری اسلامی پدید آورده است. جمهوری اسلامی برای قدرت نمایی و کتمان این هراس، عزم را جزم کرده تا با تشدید ارباب و تهدید، زندان و شکنجه و اعدام و ترور و در يك کلام سرکوب بی رحمانه هرگونه مخالفت توده ای بر ضعف خویش پرده کشیده و فضای دیکتاتوری را در جامعه تحت سلطه ما هرچه بیشتر گسترش دهد.

با آگاهی بر این واقعیت است که توده های مبارز ما باید باتمام قوا به دفاع از جان دستگیر شدگان خیزشهای توده ای اخیر بپردازند و با گسترش مبارزات خویش، جهت این مبارزات را هرچه بیشتر به سوی سرنوشتی انقلابی رژیم جمهوری اسلامی سمت و سو دهند.

نابود باد رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی !

پیروزیاد مبارزات حق طلبانه مردم ایران !

زنده باد مبارزه مسلحانه که تنها راه رسیدن به آزادی است !

با ایمان به پیروزی راهمان

چریکهای فدایی خلق ایران - ۱۵ جوی ۹۹

ملاحظات بر رابطه فرهنگ با سیاست

عمل تلقی نکنیم، و هر فرهنگ به مشابه چیزی دست نخورده و مصون نگریسته شود، بنابراین تمامی فرهنگ ها با ارزش ظاهری شان پذیرفته می شوند و نسبی گرایی تنها شاخص معتبر تلقی خواهد شد. بنابراین بسیاری اوقات می شنویم که باید از "فرهنگ مرکز گرایی" اجتناب کرد و به دیگر فرهنگ ها هم به دیده احترام نگریست. مطمئنا پس از قرن ها که فرهنگ های بومی توسط استعمارگران لگدکوب شده است باید به شدت از تأثیرات زهرآگین امپریالیسم فرهنگی و عدم مدارای سرکوب گرانه ای که متوجه فرهنگ های قومی مختلف در درون جامعه مان وجود دارد کاملاً هشیار باشیم.

اما مبارزه برای حفظ تنوع فرهنگی نباید کارت سفید به دست کسانی در جامعه بدهد تا بتوانند اساس حقوق بشر را نقض کنند. مثلاً بسیاری از فرهنگ های پدرسالار لبالب از "رسوم و سنت های مقدسی" اند که با نگاهی دقیق تر می توان دید که چگونه بدترین انواع تجاوزات و قربانی های جنسی، نظیر نقص عضو کردن دختر بچه ها از طریق ختنه کردن و مسدود کردن آلت تناسلی و فروش دختران جوان به سیستم برده داری جنسی را ترویج و گسترش می دهند. زمانی از یک مقام رسمی عربستان سعودی شنیدم که تقاضا داشت غربی ها به فرهنگ ملتش به دیده احترام بنگرند، مقصود او منتقدینی بود که سنت سعودی سنگسار کردن زنان را به خاطر زنا محکوم می کردند. او عمداً نمی خواست ببیند که بسیاری از مردمان خود کشورش - به انضمام زنان قربانی این عمل - چندان هم دل خوشی از این سنت های عقب افتاده ندارند.

برده داران و جدایی خواهان امریکایی همیشه اصرار داشتند که ما به "شیوه زندگی" جنوب احترام می گذاریم. در آلمان نازی، سامی ستیزی بخش جدایی ناپذیر فرهنگ سیاسی حاکم بود. بسیاری از افراد بدکار و شورر به راحتی می توانند زیر پرچم نسبی گرایی فرهنگی به رژه بپردازند. حقیقت آن است که در حالی که همچنان برای بهبود زندگی بشری تلاش می کنیم، باید با جنبه های سرکوب گرانه و ویرانگر تمامی فرهنگ ها و از جمله فرهنگ خودمان به مبارزه برخیزیم.

تئورسین های پست مدرنیست در محافل آکادمیک انواع و اقسام نسبی گرایی فرهنگی شان را به نمایش می گذارند. آن ها این برداشت: که ادراک انسان ها می تواند باعث تعالی فرهنگ شود را رد می کنند. از نظر آنان، تمامی انواع شناخت چیزی بیش از ساخت های اجتماعی نیستند. ادعا می کند که ارزیابی و سنجش هر فرهنگی بر اساس حقایق نهایی و ثابت، پروژه خطرناکی است که اغلب بذر اشکال افراطی تر سلطه را در خود دارد. در پاسخ باید بگوئیم که حتی اگر حقایق مطلق وجود نداشته باشند، اما باز به آن معنا نیست که هر گونه آگاهی بطور درست در حوزه فرهنگ قرار دارد. افراد انسانی از هر جامعه و هر دوران تاریخی متفاوت که باشند، می توانند اشکال سرکوب طبقاتی، قومی و جنسی را

در حوزه علوم اجتماعی آکادمیک به دانشجویان یاد می دهند که فرهنگ را بیانگر سنت ها و عرف یک جامعه که در برگزیده زبان، هنر، حقوق و مذهب نیز هست تلقی کنند.

چنین تعریفی از فرهنگ با ظرافت، بی طرف نمایانده می شود، در حالی که فرهنگ به هیچوجه بی طرف نیست. بیشتر آن چه که فکر می کنیم فرهنگ مشترک مان است، در واقع شکل تغییر یافته ای از ارزش های با ریشه طبقاتی است. آنتونیو گرامشی زمانی که از هژمونی طبقاتی سخن می گفت و اشاره می کرد که دولت تنها "به ظاهر کانال آب معمولی به نظر می رسد اما در پشت آن سیستمی از استحکامات و باروهای قدرتمندی قرار دارد"، (شبکه ای از ارزش های فرهنگی و نهادهایی که مردم فکر می کنند سیاسی نیستند)، این نکته را به درستی دریافته بود. آن چه را که "فرهنگ ما" می نامیم عمدتاً انعکاسی از آرایش های هژمونیک موجود در درون نظام اجتماعی است که از برخی منافع، به شدت در مقابل منافع دیگر حمایت می کند.

به عنوان مثال جامعه ای که بر کار برده استوار شده، به سرعت فرهنگ نژادپرستانه را گسترش می دهد که با قوانین ویژه، علوم و میتولوژی خویش در کنار مکانیسم های سرکوب توانان بردگان و منتقدین از نظام برده داری مشحون است. پس از فروپاشی برده داری، نژادپرستی به استحکام روابط اجتماعی نابرابر - که همان نظر انگلس است وقتی می گوید برده داری "تیش زهرآگین" خود را سالیان سال پس از آن که به تاریخ پیوسته است حفظ می کند - ادامه می دهد.

بنابراین، فرهنگ نیروی مجردی نیست که در هوا معلق بوده و اطراف ما را فرا گرفته باشد - هر چند که با شیوه های ظاهراً تغییر یافته ای ما را تحت تأثیر قرار دهد - اما انگار همچون چیزی مجرد و همه جا حاضر احساس می شود. در واقع فرهنگ با واسطه یک ساختار اجتماعی عمل می کند. ما فرهنگ مان را از شبکه ای از روابط اجتماعی که دیگر مردمان را نیز شامل می شود کسب می کنیم، یعنی از طریق گروه هایی نظیر خانواده، همقطاران و دیگر تشکیلات غیر رسمی درون جامعه و از آن بیشتر از طریق نهادهای رسمی تر و قانونی تر نظیر مدارس، رسانه های گروهی، کلیساها، موسسات دولتی، شرکت های بزرگ و ارتش. چنین وانمود می شود که این نهادهای اجتماعی که با اهرم های فراوانی با منافع طبقه حاکم اتصال دارند از لحاظ سیاسی بی طرف اند. و این دیدگاه بویژه توسط کسانی که مواضع کلیدی را در این نهادها در اختیار دارند و از آن ها سود می برند توجیه می شود. آن چه که گرامشی درباره ارتش گفته است در مورد بیشتر نهادهای جامعه سرمایه داری صادق است: "این به اصطلاح بی طرفی شان تنها جانب داری به نفع ارتجاع معنی می دهد".

مبانی لرزان نسبی گرایی فرهنگی

وقتی فرهنگ را چیزی بیش از مجموعه بی ضرر و آزاری از راه حل ها و

موفق بوده است. وقتی می گوئیم ارتش مکزیک در عملیات نجات بسیار ضعیف عمل کرده است، در واقع می پذیریم که گویا این ارتش تنها برای خدمت به مردم ایجاد شده و نه کنترل آن ها به نمایندگی از کسانی که مالک مکزیک اند. تأویلات فرهنگی منفصل از واقعیت های سیاسی - اقتصادی به سادگی به دام چنین ابهامات و شبهاتی می افتد.

کالایی شدن فرهنگ

با گسترش نفوذ و قدرت اقتصادی سرمایه داری، بیشتر جنبه های فرهنگ نیز تحت تأثیر این گسترش به صورت کالا در می آیند. ارزش مصرف آن ها به نحو روز افزونی جای خود را به ارزش مبادله می دهند. امروزه روز ما بیشتر این فرهنگ را می خریم تا آن را به وجود آوریم، به نحوی که می توان گفت این فرهنگ دیگر فرهنگ "ما" نیست. ما اکنون واژه خاصی را برای بخش هایی از فرهنگ مان که در عمل توده ای ریشه دارد به کار می بریم و این واژه همان "فرهنگ مردم" یا فرهنگ فولک است که شامل موسیقی، رقص، طب و میتولوژی فولک می شود. اگر عمیق تر به این مساله نگاه کنیم، در می یابیم که در واقع این واژه، واژه غربی است، زیرا مطابق تعریف، هر فرهنگی باید فرهنگ فولک باشد. اما آفرینش فرهنگ فولک آن چنان محدود و ضعیف شده که اجباراً برجسب دیگری جدا از کل فرهنگ به آن خورده است. بخش اعظم فرهنگ ما اکنون تحت عنوانین "فرهنگ انبوه سازی"، "فرهنگ عوام" و حتی "فرهنگ رسانه های گروهی" مشخص می شود عمدتاً توسط شرکت های بزرگ چرخانده می شوند که علاقه اصلی شان انباشت ثروت و ایجاد جهانی امن برای صاحبان این ثروت هاست. هدفی که ارزش مبادله را هر چه بیشتر جایگزین ارزش مصرف می کند، و بیشتر متوجه کنترل اجتماعی است تا خلاقیت و آفرینش اجتماعی. بیشتر تولیدات فرهنگ انبوه به شیوه ای سازمان داده شده که توجه ما را از اندیشیدن به واقعیت های بزرگ تر منحرف سازند. زرق و برق فرهنگ سرگرمی و تفریحات سالم **Entertainment**، نیازهای فوری و غذایی انسان ها را بیرون می ریزد. فرهنگ بازی با احساسات عوام با توسل مدام به پایین ترین مخرج مشترک، فصل مشترک فرهنگ انسان ها را به سطح نازل تری می رساند. ذوق و سلیقه مردم هر چه بیشتر به سمت فرهنگ غذای آماده، مد روز... و عرضه کالاهایی که شدیداً مصنوعی، جشن، بنجل، محرک و پر زرق و برق هستند سوق داده می شود. چنین گذرانی عموماً محتوایی کاملاً ایدئولوژیک دارند. حتی اگر نیت فرهنگ سرگرمی و تفریحات سالم را (که واقعاً باید به آن "صنعت" سرگرمی و تفریحات سالم گفته شود) عموماً غیر سیاسی در نظر بگیریم، اما از لحاظ تأثیر، تصاویر تبلیغاتی و ارزش هایش که کاملاً و بطور درست ضد برابری جنسی، نژادپرستانه، مصرف گرایانه، مستبدانه، میلیتاریستی و امپریالیستی است، دقیقاً سیاسی است. با تفوق هرچه بیشتر فرهنگ انبوه سازی، فرهنگ مردمی بیش از پیش به کنار می رود. از قرن نوزدهم تا اواسط قرن بیستم، فرهنگ کاملاً مشخص و متمایزی از طبقه کارگر با سالن های اتحادیه، آهنگ ها و تصنیف ها، شعر، ادبیات، تأثیر، مدارس شبانه روزی، اردوهای تاپستانی و انجمن های کمک متقابل که بسیاری از آن ها توسط آثارشیت ها، سوسیالیست ها،

در فرهنگ های گوناگون در سرتاسر زمان و مکان تشخیص دهند. هر چند که فرهنگ در تمامی تصورات و ادراکات ما نفوذ دارد، اما تمامی تجربه انسانی مان نیست.

در قلب نسبی گرایی فرهنگی پست مدرنیست ها نوعی ضد مارکسیسم سنتی و قدیمی نهفته است: پذیرش ایدئولوژیک بی قید و شرط سلطه بورژوازی حاکم. برخی پست مدرنیست ها خود را صاحبان "مواضع حاشیه ای" می دانند که به تنهایی مواضع قهرمانانه ای در مقابل انبوهی از افراطیون صاحب دکترین که دانشکده های مختلف سراسر کشور را در اختیار دارند، اتخاذ کرده اند. بنابراین پست مدرنیست ها به راحتی می توانند اندیشه مستقل انتقادی خود را بدون آن که با گفتن حرفی پست های آکادمیک شان را به خطر بیندازند، بروز دهند.

محدودیت های تأویل های فرهنگی

وقتی که فرهنگ را به مثابه انضمامی کهن سال از عمل و سنت آموزش می دهند، طبیعی است که به اشتباه نتیجه بگیریم که فرهنگ به راحتی نمی تواند جرح و تعدیل یافته و یا اصلاح شود. در واقع چنانچه شرایط و منافع تغییر یابد، بیشترین جنبه های فرهنگ (و نه طبیعتاً تمامی آن) تغییر می کنند. تقریباً به مدت چهارصد سال، نخبگان ثروتمند امریکای مرکزی، کاتولیک های بسیار معتقدی بودند. وابستگی و هواداری مذهبی شدیدی داشتند که ظاهراً ریشه های عمیقی در فرهنگ شان داشت. اما در سال های ۱۹۷۰ پس از آن که روشن شد بسیاری از کشیش های کاتولیک از ایدئولوژی های آزادیبخش حمایت می کنند، همین نخبگان، کاتولیسیم را رها کرده و به فرقه های گوناگون بنیادگرای پروتستانی پیوستند که می توانستند با ارتجاع به راحتی کنار بیایند. به مجردی که دریافتند منافع طبقاتی شان در خطر است، چهار قرن فرهنگ "عمیقاً ریشه دار در کاتولیسیم شان" یکباره فرو ریخت.

و در کل، هرگاه کسی تأویلی فرهنگی برای پدیده های اجتماعی عرضه می کند باید با تردید بسیار در از نگرست. مثلاً تأویلات فرهنگی شرایط اجتماعی جهان سوم عموماً "پدر سالارانه" و "قوم مرکز گرایانه" است. یک بار شنیدم که شخصی برخورد ضعیف ارتش مکزیک در عملیات نجات سیل در آکایولکو در اکتبر ۱۹۹۷ را نشانه ای از بی خیالی و بی حالی شیوه زندگی مکزیکی می دانست. این در فرهنگ شان است ببین! برای این مردم همه چیز مسخره بازی و بی خیالی است. این عملیات نجات سهل انگارانه را بارها و بارها در ایالات متحده و بسیاری کشورهای دیگر نشان داده اند. و جالب اینجاست که همین ارتش ظاهراً بی خیال مکزیک که توسط مستشاران امریکایی تأمین مالی و اداره می شود، در چیپاس بسیار درخشان عمل کرده است، و در انجام وظایفی که به آن آموزش داده اند (و این وظایف نه عملیات نجات مردم، بلکه ایجاد رعب و وحشت در مردم و کشتن آن ها، عملیات جنگی کم دامنه، اشغال سیستماتیک زمین ها، به آتش کشیدن خرمن محصولات کشاورزی، ویران کردن روستاها، اعدام دسته جمعی کسانی که به هواداری از چریکها مشکوکند و محکم تر کردن تله ها و دام ها در اطراف پایگاه های اجتماعی زاپاتیست ها است)



برعلیه کشتار وحشیانه دانشجویان به پاخیزیم !

بدنبال تحصن دانشجویان در کوی دانشگاه تهران در روز پنجشنبه ۸ جولای که نخست به عنوان اعتراض به توقیف روزنامه "سلام" و طرح محدود کردن فعالیتهای مطبوعاتی آغاز شد، در اولین ساعات بامداد جمعه ۹ جولای نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی شامل انصار حزب الله، مامورین وزارت اطلاعات و نیروهای انتظامی طبق یک برنامه از قبل سازماندهی شده به خوابگاه دانشجویان حمله بردند. مزدوران رژیم با قساوت تمام ضمن استفاده از گاز اشک آور و سلاحهای سرد و گرم به ضرب و شتم دانشجویان متحصن پرداخته و چند تن از آنان را از بالای بام به زمین پرتاب کردند. در جریان این حمله وحشیانه، ۵ تن از دانشجویان به قتل رسیدند. تعداد دیگری زخمی و شماری نیز دستگیر شدند. در مقابل این یورش ددمنشانه، دانشجویان نیز به مقاومت برخاستند. با تداوم مقاومت دانشجویان و کشیده شدن دامنه اعتراضات به خیابانهای اطراف و منجمله "کارگر شمالی" (امیر آباد شمالی) خیلی زود مشخص شد که برغم هدف ضدانقلابی مقامات حکومت از اعمال این جنایات، تعرض و کشتار دانشجویان متحصن نه تنها منجر به منکوب شدن اعتراضات نگشت، بلکه با پخش خبر جنایات رژیم، دانشگاه به صحنه تجمع فزاینده دانشجویانی بدل شد که در اعتراض به تبهکاری های سبعانه حکومت با چوب و چماق در کوی دانشگاه حاضر گشته و به تظاهرات پرداختند.

روز جمعه در جریان لشکرکشی و درگیری بین یگانهای ضدشورش و سایر نیروهای سرکوبگر از یکسو با هزاران دانشجوی معترضی که شعارهایی برعلیه حکومت و سران رژیم سر داده و فریاد می زدند "توپ، تانک، مسلسل دیگر اثر ندارد"، چندتن دیگر از دانشجویان به قتل رسیدند. صدها دانشجوی مبارز زخمی و قریب به هزارتن دستگیر شدند.

در این حال با پخش اخبار مربوط به جنایات رژیم در دانشگاه تهران و تداوم درگیری های پراکنده، دانشجویان در دانشگاههای چند شهر دیگر (مشهد، اصفهان، تبریز و...) با خواست آزادی دستگیر شدگان و شناسایی و مجازات عاملان سرکوب، شروع به پیوستن به این اعتراض کردند. با مشاهده این اوضاع، وزیر فرهنگ و آموزش عالی حکومت (دکتر معین) در اعتراض به حوادث دانشگاه استعفا داد که مورد پذیرش دولت قرار نگرفت. در این مرحله مقامات مزدور رژیم جمهوری اسلامی که از تداوم حرکات دلاورانه دانشجویان و چشم انداز رشد و تعمیق آن به هراس افتاده بودند، به چاره جویی پرداختند و به این ترتیب در جلسه ۹ ساعته شورای امنیت ملی رژیم تصمیماتی برای کنترل اوضاع و منکوب کردن دانشجویان اتخاذ گردید.

مطابق تصمیم شورای امنیت ملی حکومت، سران تبهکار رژیم که دستانشان تا مرفق به خون دانشجویان بیگناه آلوده است با تغییر تاکتیک خود و زدن نقاب فریب و ریا به چهره سیاهشان به میدان آمده و در یک عقب نشینی آشکار و مفتضحانه جمعی از مقامات دولت و مجلس، منجمله تاج زاده معاون وزیر کشور را برای کنترل اوضاع و آرام کردن دانشجویان و تشویق آنها به پایان حرکت به محل فرستادند. مقامات دولت همچنین وعده آزادی دانشجویان دستگیر شده - البته نه عناصر فعال و سازمانده این حرکت - را دادند. اکنون

جو دانشگاه تهران همچنان ملتهب است و برغم تمامی تمهیدات مقامات رژیم حرکات اعتراضی و تحمن دانشجویان همچنان ادامه یافته است.

حوادث چند روز اخیر در دانشگاه و سرکوب وحشیانه و کشتار دانشجویان مبارز، جلوه دیگری از ماهیت سرکوبگرانه و فریبکارانه رژیم جمهوری اسلامی را به عینه به نمایش میگذارد. اما مهمترین تجربه ای که از حوادث خونین دانشگاه باید مورد توجه توده های آگاه و مبارز ما قرار گیرد عبارت از این نکته است که در شرایط بحرانی جامعه تحت سلطه ما، در شرایطی که اعتراضات کارگری و دانشجویی و..... هر روز به نحوی برعلیه نظام حاکم سرباز میکند، بخشی از حکومتیان، بخشی از نمایندگان سرمایه داران وابسته که شریک هم جنایات و فسق و فجوری هستند که رژیم جمهوری اسلامی در طی ۲۰ سال در حق مردم ما اعمال کرده است، فریبکارانه می کوشند خود را در صف دانشجویان و دیگر نیروهای انقلابی و مبارز جامعه قرار داده و با بدست گرفتن رهبری و کنترل مبارزات توده ای جاری مسایل خود را با بخش دیگر حکومت حل و فصل نمایند. در این شرایط آنچه اساسی است این است که به هیچوجه نباید اجازه داد تا اعتراضات عادلانه و به حق توده های ما بدست آویزی برای قدرت طلبی و سوء، استفاده های ضدانقلابی دست اندرکاران حکومت از هر جناح و دسته ای بدل گردد.

همه جناحهای ضدخلقی جمهوری اسلامی در طول بیست سال حکومت تبهکارانه خود به روشنی نشان داده اند که به رغم هر اختلاف تاکتیکی، در امر سرکوب و به انحراف بردن مبارزات توده های ما با یکدیگر دارای اشتراك منافع استراتژیک هستند. در مواجهه با این حقیقت است که توده های آگاه و هوشیار ما باید ضمن درک ماهیت ضدانقلابی تمامی جناحهای موجود در هیات حاکمه، نه تنها فریب شعارهای آنها را نخورند بلکه با استفاده از کوچکترین ناهماهنگی ها و فضایی که در شرایط بحرانی در اردوی دشمن یعنی رژیم جمهوری اسلامی پدیدار می شود، مبارزات خود را تشدید نموده و آنرا در کانال سرنگونی کلیت حکومت دیکتاتوری جمهوری اسلامی و نظام سرمایه داری وابسته جهت دهند.

منتشر شد :

سخنی با خلقهای قهرمان ایران

(در مورد جنبش دانشجویی - مردمی ۱۸ تا ۲۳ تیرماه)

چریک فدایی خلق
رفیق اشرف دهقانی

مرداد ۷۸

از انتشارات چریکهای فدایی خلق ایران

سرنگون باد رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی !
پیروز باد مبارزات حق طلبانه مردم ایران!
زنده باد مبارزه مسلحانه که تنها راه رسیدن به آزادی است !

با ایمان به پیروزی راهمان
چریکهای فدایی خلق ایران - ۱۱ جولای ۹۹

برخی از اطلاعاتی های دریافتی

به اسلام، ولایت فقیه و نظام ضربه می‌زنند.

حزب کارگران سازندگی با انتشار بیانیه ای، تهاجم گروه فشار به دانشجویان را محکوم کرد. (همشهری ۲۰ تیر)

در پی تشکیل جلسه شورای عالی امنیت ملی، دبیر خانه این شورا شبانه شب با صدور اطلاعیه ای حادثه کوی دانشگاه و برخورد با دانشجویان را محکوم کرد. (همشهری ۲۰ خرداد)

انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه تهران و علوم پزشکی تهران با صدور اطلاعیه ای اقدام خشونت بلد گروههای مهاجم را به شدت محکوم کرده خواستار رسیدگی مسئولین بلندپایه کشور به این واقعه شد. (همشهری ۱۹ تیر).

نهضت آزادی ایران:..... اقدام وحشیانه و هتک حرمت فضای مقدس دانشگاه را شدیداً محکوم میکند و به مسئولان جمهوری اسلامی و به ویژه رئیس محترم جمهوری هشدار می‌دهد که اگر با قاطعیت ریشه های این گونه اقدامات خودسیر نظیر قتل‌های زنجیره ای شناسایی نشوند..... کیان جمهوری اسلامی به مخاطره خواهد افتاد و همه از تر و خشک باهم خواهند سوخت.

اینکه در هر جامعه ای ضرب و شتم دانشجویان محکوم میشود در این شکی نیست، اگرچه در این مورد خشونت گروه فشار محکوم شده است، نه گروه فشار، ولی به چه دلیل این خشونت محکوم می‌شود، خود نمایانگر موضع احزاب، سازمانها و دستجات رنگارنگی است که هنوز دست از توهم برداشته و هنوز در انتظار معجزه کاریکاتوریست جامعه مدنی هستند. خشونت محکوم می‌شود تا بدین ترتیب خشم انقلابی کارگران و زحمتکشان را مانع شده و آتزا به هز برزند. خشم انقلابی طبقه کارگر را در ردیف خشونت سرکوبگران جمهوری اسلامی قرار می‌دهند و نتایج خشونت این سرکوبگران را نتیجه آتی انقلاب آنها تعریف می‌کنند. سازمان اکثریت که دستبوسی ارتجاع را از افتخارات سازمان خود می‌داند چنین می‌گوید ایران در فشار دو گروه از ستاینندگان خشونت و آشوب است. خشونت

اعدام از خلقهای ما گرفته شدند اما یادشان باقی است و راهشان تا به ثمر رسیدن آرمانهای آنها ادامه خواهد داشت.

گروهی از سازمانها و تشکلات چپ و مبارز در سوئد با انتشار اطلاعیه ای به نام از جنبش مردمی در خیابانها حمایت می‌کنیم آورده اند: ما امضاکنندگان زیر در حمایت از مبارزات رادیکال کارگران، دانشجویان مستقل، جوانان و زنان و دیگر اقشار زحمتکش و تحت ستم در ایران، و در اعتراض به کشتار بیرحمانه دانشجویان و جوانان طی روزهای اخیر، روز پنجشنبه، ۱۵ یولی در مقابل سفارت جمهوری اسلامی در شهر استکهلم دست به تظاهرات می‌زنیم. اعلامیه فوق از سوی این گروهها امضا شده است:

- * تشکلات خارج کشور حزب کمونیست ایران - سوئد
- * اتحاد فدائیان کمونیست - واحد سوئد
- * کانون زندانیان سیاسی ایران در تبعید
- * مرکز دفاع از حقوق بشر در کردستان
- * فعالین سازمان فدائیان اقلیت - سوئد
- * شورای دفاع از حقوق و مبارزات کارگران ایران - استکهلم
- * رادیو شراره ها
- * فعالین جنبش نوین کمونیستی - سوئد
- * فعالین چپ - استکهلم
- * سازمان هواداران چریکهای فدایی خلق ایران - سوئد
- * جمعیت مبارزه برای آزادی زنان در ایران
- * شورای کار

و بالاخره در اطلاعیه گروه فشار و خشونت با امضای عبدالله باوی - نویسنده تبعیدی آمده است:

گروه فشار و خشونت

خشونت گروه فشار در تمام اطلاعیه های صادر شده، مصاحبه ها و گزارشات محکوم شده است. حجت الاسلام محسن قمی رئیس نهاد رهبری در دانشگاه های ایران، از فعالیت گروههای موسوم به فشار انتقاد کرد و گفت، هرچند آنها هدفشان خیر است، اما عملکریشان بد بوده و

علیه رژیم خون آشام جمهوری اسلامی و همکاران مزه دوش به هر شکل که صلاح می‌دانید به تعرض انقلابی دست یازید! عنوان اطلاعیه ای است که از سوی سازمان هواداران چریکهای فدایی خلق ایران - گوتنبرگ، سوئد در جولای امسال انتشار یافته و در قسمتهایی از آن آمده است: روز ۲۲ تیرماه سران جنایتکار جمهوری اسلامی خامنه ای، خاتمی، رفسنجانی با پشتیبانی جریانات موسوم به دوم خردادی یا همان هواداران خاتمی فریبکار از قماش دفتر تحکیم وحدت، در یک تظاهرات فرمایشی فرمان به کشتار دانشجویان و توده های ستم کشیده و اسیر دادند.

در ادامه اطلاعیه ضمن اشاره به اینکه از جمعه خونین ۱۸ تیر که خون دانشجویان توسط اوپاش و قصابان جمهوری اسلامی بر صحن و در و دیوار دانشگاه تهران ریخته شد تا امروز صف انقلاب و ضدانقلاب هرچه بیشتر و اما به بهایی سنگین روشن شده و نشان داد که دوستان مردم کیانند و دشمنانشان چه کسانی هستند! از مبارزات حق طلبانه و آزادیخواهانه دانشجویان و توده های کار و زحمت قاطعانه حمایت شده و بر این واقعیت تاکید گردیده که رژیم جمهوری اسلامی با تمام جناح بندی هایش مزدوران سرمایه جهانی و ارتجاعند و با این رژیم باید با زبان سلاح و قهر انقلابی سخن گفت.

سازمان دانشجویان هوادار چریکهای فدایی خلق ایران در سوئد نیز با انتشار اطلاعیه ای به تحلیل از شهدای فرمان ۸ تیر پرداخته و با اشاره به روزهای تاریخی در مبارزات خونین خلقهای ایران بر علیه امپریالیسم و سگهای زنجیرش آورده اند: ۸ تیرماه یکی از این روزهاست. ۸ تیرماه ۱۳۵۵ و ۸ تیرماه ۱۳۶۰ از جمله روزهایی هستند که خلقهای ایران جنایات رژیمهای وابسته به امپریالیسم شاه و خمینی را با برجستگی هرچه تمامتر مشاهده کرده و سرفرازی جمعی از بهترین فرزندان خلق را در رویارویی با نیروهای سرکوبگر این دست نشانندگان دیدند. در خاتمه اطلاعیه آمده است: رفقا حمید اشرف، یوسف قانع خشک بیجاری، غلامرضا لایق مهربانی، محمدرضا یثربی، قاطمه حسینی، محمدحسین حق نواز، طاهره خرم، عسگر حسینی ابرده، محمد مهدی فوقانی، علی اکبر وزیری، غلامعلی خراط پور، روح انگیز دهقانی، نوروز قاسمی، بهزاد مسیحا و حسین تنگستانی در روز ۸ تیرماه سالهای ۱۳۵۵ و ۱۳۶۰ توسط رژیمهای وابسته به امپریالیسم پهلوی و جمهوری اسلامی در میدانهای نبرد و

خواهان حکومتی و خشونت خواهان درون اپوزیسیون که از مشی خشونت و آشوب پیروی می‌کنند و همچنین در یکی از اصول خود می‌افزاید پایبندی اکید به روشهای دمکراتیک و سازنده در مبارزه و نفی روشهای مبتنی بر خشونت و درگیری فیزیکی. سازمان اکثریت توضیح نمی‌دهد که منظور از روشهای دمکراتیک، در رژیمی که کودکان ۱۲ ساله را به خاطر اطلاعیه تیرباران می‌کنند، چگونه روشهایی است، رژیمی که مسلح به ارتش دوگانه است، ارتش سابق و پاسداران و بسیج که هرگونه اعتراضی را سرکوب می‌کنند و تظاهرات این شش روز نشان داد که حتی انتقاد از خودی‌ها برایشان تحمل ناپذیر است، چگونه می‌توان به جز با خشم انقلابی با آنها گفتگو کرد؟

راه کارگر که پس از بیست سال، ناگهان به کلیت رژیم پی برده است، با فریاد یاقتم یاقتم از مبارزه با این رژیم صحبت میکند، ولی بدون خشم انقلابی و یا خشونت، راه کارگر می‌نویسد تیر لحظه حاضر که آنها می‌خواهند مبارزه را به مصاف نیزه عریان خودشان و گردن لخت شهروندان تبدیل کنند، می‌توان با سازمان دادن مقاومت منفی که اکثریتی عظیم از مردم را متناسب با شرایط شان به صحنه مقاومت عملی وارد سازد با این سرکوب مقابله کرد. باید از راه کارگر پرسید که منظور از تیر لحظه حاضر، کدام زمان است؟ جمهوری اسلامی از همان بدو به قدرت رسیدن، قانون نیزه عریان گردن لخت شهروندان را تصویب کرد. کشتار هزاران دلاور خلق کرد در جنگ برای آزادی، سرکوبی اعتصاب و اعتراضات کارگران و زحمتکشان برای دریافت حقوقهای عقب افتاده، اعدام هزاران آزادیخواه در تابستان ۱۳۶۷، همه اینها اجرای قانون نیزه عریان و گردن لخت شهروندان بوده است. و منظور از مبارزه منفی چیست؟ که البته راه کارگر بدین گونه جواب می‌دهد اگر می‌خواهیم اسارت ناممکن شود باید اقتدر به زندان برویم که زندانها پر شود، اگر می‌خواهیم شکنجه کاهش یابد و از گسترش اعدامها جلوگیری شود، باید همه، هرچه بیشتر به میدان بیایند..... همه را نمی‌شود زندانی کرد، همه را نمیتوان شکنجه کرد، همه را نمیتوان کشت. چنین است مبارزه از نظر راه کارگر، طبقه کارگر در محکوم کردن خود، و خشونت برخورد آزاد است، ولی در بکار بردن خشونت برای آزادی خود محکوم است.





خیزشهای اخیر توده‌ای و وظایف فوری ما در خارج از کشور

ایرانیان مبارز، رفقای هوادار!

فضای سیاسی جامعه تحت سلطه ما بیش از پیش ملتهد و بحرانی است. خیزش انقلابی دانشجویان و توده‌های تحت ستم در شهرهای مختلف که وحشیانه توسط دیکتاتوری حاکم مورد یورش و سرکوب قرار گرفت، به روشنی نشان داد که ۲۰ سال ستمگری رژیم جمهوری اسلامی، چنان پتانسیل مبارزاتی عظیمی را در اعماق جامعه انباشته ساخته که کوچکترین فضا و دستاویز کافی است تا این پتانسیل بطور انفجاری و بصورت شورش توده‌های به جان آمده بر علیه کل نظام ارتجاعی موجود خود را نشان دهد. از سوی دیگر خیزشهای انقلابی اخیر کوس رسوایی هیات حاکمه جنایتکار جمهوری اسلامی به صدا در آورد و ماهیت سرکوبگرانه نظام حاکم را با برجستگی تمام به منصفه ظهور رسانید. ماشین سرکوب رژیم برای فرونشاندن جنبش اعتراضی توده‌ها با بیرحمی تمام بار دیگر این جنبش را به خون کشاند. در اثر جنایات رژیم دهها تن از توده‌های انقلابی کشته، صدها نفر زخمی و بیش از ۱۴۰۰ تن دستگیر شدند. به این ترتیب برگ سیاه دیگری بر کارنامه ننگ آلود سردمداران حکومت افزوده شد. اما سران مرتجع رژیم نه تنها به این جنایات خوفناک بسنده نکردند بلکه از بگیر و ببند، قتل و کشتارهای بیشتر سخن به میان آوردند و بویژه در روزهای اخیر برای منکوب کردن توده‌های معترض از به راه انداختن حمام خون دیگری سخن می‌گویند. در همین راستاست که ما شاهدیم خامنه‌ای جلاد فرمان‌شدیدترین پرخورد‌ها را با توده‌های مبارز سرداده است. و یا رفسنجانی مزدور با ابراز خشم از اینکه در جریان حرکات انقلابی اخیر به اصطلاح "عمود خیمه انقلاب" با جسارت بی‌سابقه "توده‌ها تکان" خورده، به عربده کشی بر علیه مبارزین پرداخته و خاتمی فریبکار در راس شورای امنیت ملی رژیم - یعنی ارگانی که بطور رسمی توده‌های معترض به نظام ضد خلقی حاکم را "معاند" و "محارب" خوانده و نغمه شوم "اعدام" و "قطعه قطعه" کردن آنها را سرداد. امروز نیز دست در دست سایر سردمداران مزدور جمهوری اسلامی در مقابل جنبش انقلابی توده‌ها ایستاده است. به این ترتیب ما شاهدیم که بحران موجود و شدت یابی تضادهای طبقاتی در جامعه ما که حرکات عظیم انقلابی اخیر تنها جلوه‌ای از آنهاست، چگونه با سرعت شگفت‌انگیزی نقاب از چهره تمامی مرتجعین رنگارنگ و فریبکاران ریز و درشت درون حکومت و یا خارج از حکومت برکشیده و ماهیت ضد خلقی یکسان دارو دسته خاتمی مزدور با خامنه‌ای و رفسنجانی جلاد را هرچه عریان تر در انتظار عمومی به نمایش در آورده است. میتوان گفت که هیچ رویدادی به اندازه این خیزش انقلابی توده‌ای قادر نبود تا به این سرعت و با چنین عمقی پوچی توهم پراکنی مرتجعین در باب "جامعه مدنی"، "روندهای دمکراتیک" و شعارهای اصلاح طلبانه "و معتدل" خاتمی و کذب حمایت به اصطلاح جناح میانه روی حکومت از خواسته‌های عادلانه دانشجویان، جوانان، زنان و در چنین مقیاس اجتماعی وسیعی بر ملا سازد. در وقایع اخیر همه دیدند که چگونه دارو دسته‌های فریبکار و مرتجع موسوم به اصلاح طلب و "طرفدار مردم"، از خود رئیس جمهور فریبکار و اعوان و انصارش در دولت گرفته تا نهضت آزادی، مجمع روحانیون مبارز، جنبش مسلمانان مبارز، دفتر تحکیم وحدت و تمامی بلندگوهای آنان (نشاط خرداد، ایران، صبح امروز، همشهری و) با بالا گرفتن خیزش توده‌ها بر علیه کل نظام، شانه به شانه جناح متخاصم در یک خط واحد برای سرکوب و قلع و قمع توده‌های مبارز در خیابانها به صف شدند و در وحشت از به خطر افتادن موجودیت نظام حاکم، نیروهای سرکوبگر حکومت را برای سرکوب وحشیانه توده‌ها و "اعاده نظم" ارتجاعی خویش تشویق نمودند.

اکنون چند روز پس از شورشهای انقلابی اخیر در تهران و بویژه در اطراف کوی دانشگاه سیل نیروهای انتظامی و سایر دستجات سرکوبگر به همراه دژخیمان وزارت اطلاعات به راه افتاده‌اند. جدا از تهران، تبریز و سایر شهرهای ناآرام به صحنه خانه گردی و بازدید و ترکتازی های نیروهای سرکوب بدل شده است. دستگیری‌های بسیار گسترده‌ای برای تشدید فضای رعب و وحشت در جریان است. تعقیب، شناسایی و شکار فعالین حرکات اخیر توسط ساواک رژیم با حدت و شدت ادامه دارد. در این حال گردانندگان جنایتکار وزارت اطلاعات به طور رسمی با صدور اطلاعیه‌هایی در بااصطلاح اثبات "تماس" دستگیر شدگان یا "گروهکهای ضد انقلاب" در حقیقت به زمینه سازی برای توجیه حمام خونی مشغول شده‌اند که سردمداران حکومت برای منکوب کردن توده‌ها و در هم شکستن روحیه اعتراضی آنها در صدد راه اندازی آن در جامعه می‌باشند. در تمام محافل و دستگاههای هیات حاکمه ضد خلقی سخن از دستگیری، زندان و اعدام توده‌هاست و از تمام اظهارات رسمی حکام جمهوری اسلامی بوی خون به مشام می‌رسد.

ایرانیان مبارز!

رفقای هوادار!

حقایق فوق گوشه‌ای از اوضاع بحرانی جاری در جامعه تحت سلطه ما را نشان میدهد. چنین شرایط حساسی بدون شک وظیفه بسیار سنگینی را بر عهده نیروها و جریانات انقلابی، فعالین سیاسی مبارز و بویژه هواداران سازمان در خارج از کشور قرار میدهد. اگر رژیم جمهوری اسلامی سودای سرکوب وحشیانه تر توده‌ها و جنبش آنها از راه تشدید اعدام و دیکتاتوری و خفقان را در سر می‌پروراند، پس وظیفه ماست که با تمام توان در مقابل این نقشه ضد خلقی مقاومت کنیم. به این منظور باید:

در هر کجا که هستیم، با هر اندازه از توان و انرژی مبارزاتی برای حفظ جان دستگیر شدگان خیزشهای اخیر، به هر شکل ممکن به فعالیت و مبارزه برخیزیم. باید با سازماندهی حرکات عملی چه به صورت مستقل و چه در همکاری با سایر نیروهای مبارز و مترقی - به افشاگری علیه رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی پرداخته و با افشای مقاصد پلید حکومت برای برپا کردن حمام خون جدیدی در مملکت، توجه افکار عمومی را به این فاجعه جلب کرده و برای مقابله با آن نیرو و پشتیبانی بسیج کنیم. در این رابطه تلاش برای انعکاس اخبار مربوط به

رویدادهای اخیر در رادیوها، نشریات و تریبونهای جمعی و فشار به مجامع و نهادهای مدعی دفاع از حقوق بشر از اهمیت خاصی برخوردار است.

باید از تمام امکانات برای رساندن اهداف و صدای حق طلبانه جنبش دانشجویان، کارگران و توده های تحت ستم به گوش مردم جهان و انعکاس مطالبات عادلانه آنها در حرکات اخیر در افکار عمومی استفاده کرده و از خواسته های فوری آنها یعنی آزادی دستگیرشدگان خیزشهای اخیر و تحویل اجساد جانبازان این خیزش ها به خانواده هایشان با تمام قوا پشتیبانی نمود.

بدون شک تبلیغ خط درست و انقلابی و تحلیل صحیح از آنچه که اتفاق افتاده، بویژه مقابله و افشای ایده های ارتجاعی و سازشکارانه طیف راست "خاتمی چی" نظیر خائنین اکثریتی و همپالگی هایشان که همچنان می کوشند اذهان عمومی را نسبت به ماهیت ضدانقلابی افراد و جناحهایی از هیات حاکمه ضدحلقی جمهوری اسلامی متوهم نگاه دارند وجه لایتجزای اقدامات مبارزاتی فوق خواهد بود. چرا که این نیروها می کوشند مبارزه توده ها بر علیه کل نظام ارتجاعی موجود و نابودی رژیم جمهوری اسلامی با تمام جناحهای درونی اش را به مسیرهای انحرافی انداخته و آنرا به زیر عبا یکی از جناحهای هیات حاکمه بر علیه دیگری کانالیزه کنند. تنها با تشدید مبارزه بر علیه رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی و حمایت و تقویت هرچه گسترده تر امواج جنبش انقلابی توده های تحت ستم در داخل کشور بر علیه دیکتاتوری حاکم است که میتوانیم به وظایف انقلابی و کمونیستی خود در این برهه حساس عمل کنیم.

سرنگون باد رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی!

پیروز باد مبارزات حق طلبانه مردم ایران!

ننگ و نفرت بر فریبکاران!

زنده باد مبارزه مسلحانه که تنها راه رهایی است!

با ایمان به پیروزی راهمان

چریکهای فدایی خلق ایران - ۲۰ جولای ۹۹

خیزش انقلابی توده ها، رسوایی و وحشت "نهضت آزادی"!

حرکت اعتراضی دانشجویان دانشگاه تهران در پیوند با مبارزات خشمگینانه توده ها نه تنها سردمداران جنایتکار جمهوری اسلامی را به وحشت انداخت و آنها را بر آن داشت تا همه قدرت سرکوب و وحشیگری خود را در خیابانها به نمایش بگذارند، بلکه سازشکاران و فرصت طلبان رنگارنگ را نیز رسوا نموده و آنها را مجبور کرد با دست پاچگی به مرزبندی با مردم شجاع و آزادیخواه ایران بپردازند. یکی از نیروهایی که با شنیدن فریاد دانشجویان به لرزه افتاد "نهضت آزادی ایران" بود که فوراً با صدور اطلاعیه ای حرکت دانشجویی اخیر را به اعمال خلاف قانون و "تشنج آفرینی" متهم نموده و از آنها تبری جست. در زیر توجه شما را به این اطلاعیه جلب می کنیم.

بسمه تعالی

۱۳۷۸/۴/۲۷

هموطنان عزیز

اخیراً مطالب خلاف واقع و کذبیه در مورد دخالت نهضت آزادی ایران در ارتباط با واقعه حمله به خوابگاه دانشجویان دانشگاه تهران و اغتشاشات اخیر شهر تهران از پایگاه مقدس نمازهای جمعه و برخی رسانه ها منتشر شده است، که موجب شگفتی مردم و اینجانب گردیده است.

اینجانب بعنوان یکی از موسسین نهضت آزادی ایران، ضمن ابراز تأسف عمیق و همدردی با کلیه فرزندان عزیز دانشجویان و دانشگاهیان و کلیه مصیبت دیدگان وقایع اخیر، اینگونه وقایع را برخلاف مصالح ایران و اسلام و تضعیف برنامه اصلاحات و توسعه سیاسی رئیس محترم جمهوری دانسته و اعلام می دارم که نهضت آزادی ایران همواره با اعمال خلاف قانون و تشنج آفرینی مخالف بوده، طرفدار مبارزات قانونی و اصولی و در فضای آرام و منطقی و دور از تشنج بوده است.

هرچند مبانی فکری و سوابق نهضت آزادی ایران طی حدود چهار سال گذشته آنچنان در این زمینه برای همگان روشن است که نیازی به توضیح و تکذیب نیست. اما با توجه به جو سازی و فضای ناسالم روزهای اخیر، لازم می دانم به این وسیله اینگونه بیانات خلاف واقع و کذب را قویاً تکذیب نمایم و توجه آمرین و عاملین اینگونه اتهامات را به رعایت عدالت و تقوای الهی جلب نمایم. اعدلوا هوا اقرب التقوی

یدالله سبحانی

کشتار کشاورزان معترض در آستانه اشرفیه

مزدوران رژیم جمهوری اسلامی، اعتراضات به حق کشاورزان آستانه اشرفیه که مزارع آنها به علت کم آبی و عدم توجه مقامات رژیم برای حل این مشکل در حال خشک شدن است را با گلوله پاسخ گفتند. در جریان این حادثه کشاورزان خشمگین و معترض در حالیکه به علت کم آبی حیات و هستی شان در حال نابودی است اقدام به حفر چاههای کم عمق برای رسیدن به آب کردند که با هجوم نیروهای انتظامی مواجه شده و در جریان درگیری، تنی چند از آنها کشته و زخمی شدند.

حسن شاخصی نماینده مجلس رژیم از آستانه اشرفیه در اوایل تیرماه طی سخنانی ضمن اشاره به کشتار کشاورزان در این منطقه توسط نیروهای سرکوبگر حکومتی، از این حادثه اظهار تأسف کرد. وی با اشاره به مشکل بی آبی در این شهرستان گفت آقای نماینده ای که فقط دنبال مسایل سیاسی هستی، زنان و مردان گیلانی و کشاورزان سخت کوش، روز و شب خود را در مزارع خشک سپری میکنند و همواره اشک غم می ریزند. متأسفانه در حوزه انتخاباتی هم با مردم کشاورز مسلحانه برخورد شده و صد تأسف که کشاورزان کشته و زخمی شدند.

بخشی از نامه سعید امامی (اسلامی) یکی از سربازان گمنام امام زمان، معاون اسبق وزارت اطلاعات و طراح "قتلهای زنجیره ای":

پشتیبانی جهانی از نویسندگان ایرانی، مشکل امنیتی برای رژیم اسلامی بوجود آورده که برای خنثی کردن آن میتوان به یک سلسله اقدامات قانونی و تلاشهای پنهان برای ایجاد اختلاف و انشعاب در بین نویسندگان دست زد و اصلاح قانون مطبوعات فعلی جوابگوی نیاز کنونی و دسیسه های موجود نیست. چرا که تنها در رابطه با صاحبان امتیاز و مدیر مسئول تعیین تکلیف می کند. حال آنکه ما در عرصه فرهنگی، قشر وسیع نویسنده، مترجم، مولف کتاب، گزارشگر، شاعر و ... را داریم که تنها با برخورد انفرادی و قانونمند نظیر ممنوع القلم یا ممنوع النشر نمودن میتوان از هجمه ایشان جلوگیری نمود. وی در بخش دیگری از نامه خود پیشنهاد تهیه نظام فرهنگی را ارائه می دهد تا از این طریق تشکلهای خودی را تقویت و عناصر معاند را از صحنه خارج نمود.



عکس سعید امامی
اولین بار در
شبنامه های پخش
شده در قم با عنوان
نتیجه تهاجم
فرهنگی چاپ شد و
بعدها رژیم مبادرت به
چاپ آن نمود.

بررسی لایحه تغییر قانون کار به تاخیر افتاد

مجلس شورای اسلامی بحث و بررسی حول لایحه ارتجاعی تغییر قانون کار را به مدت شش ماه دیگر به تاخیر انداخت. مطابق این لایحه ضدکارگری، نمایندگان رژیم قصد داشتند تا کارگاهها و واحدهای تولیدی دارای سه کارگر یا کمتر را از شمول قانون کار خارج سازند. اما مقاومتها و اعتراضات دائم التزاید کارگران به این لایحه ارتجاعی و ترس از ایجاد موج جدیدی از اعتراضات کارگری باعث شد تا مجلس با عنوان کردن ضرورت بررسی های کارشناسانه حول این لایحه بحث در مورد آن را تا شش ماه دیگر به تاخیر اندازد.

دستگیری دو جاسوس رژیم در آلمان

به گزارش هفته نامه "اشپیکل" به تاریخ ۲۴ جولای، دو ایرانی به جرم جاسوسی بر علیه نیروهای اپوزیسیون جمهوری اسلامی در آلمان دستگیر شدند. نام یکی از دستگیر شدگان حمید خرسند عنوان شده است و پلیس می گوید که این افراد را در جریان کشف امواج رادیویی ای شناسایی کرده که از آنها به منظور تماس با مسئولینشان در ایران استفاده می کرده اند. در سالهای اخیر تعداد زیادی از عوامل و مزدوران رنگارنگ دستگاههای امنیتی رژیم در کشورهای آلمان، هلند، سوئد و ... شناسایی و به جرم جاسوسی و طرح ریزی اقدامات تروریستی بر علیه سازمانهای مخالف حکومت دستگیر و یا از این کشورها اخراج شده اند.

پست الکترونیک E-Mail
ipfg@hotmail.com

شماره فکس و تلفن برای تماس با
چریکهای فدایی خلق ایران:
۰۰۴۴-۱۸۱-۸۰۰ ۹۲۱۳

برای تماس با چریکهای فدایی خلق ایران با نشانی زیر
مکاتبه کنید:

BM Box 5051
London
WC1N 3XX
England

"پیام فدایی" بر روی شبکه اینترنت

از صفحه چریکهای فدایی خلق ایران در اینترنت دیدن کنید.

آدرس ما در اینترنت:

<http://www.fadaee.org/>

کمکهای مالی خود را به شماره حساب زیر واریز کرده و رسید آن را به آدرس
پستی سازمان ارسال نمایید.

National Westminster Bank
Branch Sort Code: 60-24-23
Account Name: M.B
Account No: 98985434

P O Box 8082
4 the Broadway, Wood Green
London N22 6BZ, England

آدرس بانک: